

پیام شادباش به مناسبت

۷۱مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

پیام شادباش به شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین

کارشکنی در مذاکرات صلح

ما گذشته، دور جدید مذاکرات ایران و عراق در ژنو با حضور دبیرکل سازمان ملل متحد نجف مکرتمت، تنها نتیجه این مذاکرات طولانی، توافق شکننده برای مبادله تعداد کمی از اسرای جنگی دو کشور بوده است. طرفین موافقت کردند که حدود ۱۵۰۰ اسیر زخمی، معلول و بیما را مبادله کنند. از این عده حدود ۴۰۰ نفر ایرانی هستند.

آزادی تعداد کمی از اسرا در مقابل مبادله با همه آن اقداماتی که در قطعتاً ۵۹۸ منظور شده و طرفین منازعه می‌بایست آن را به اجرا بگذارند، وحشی در مقابل مبادله اسرای جنگی طرفین، نشان نوعی بست در پیشرفت مذاکرات است. دبیرکل سازمان ملل برای کشیدن زمانه اجرای قطعنامه ۵۹۸ و بهانه‌ها را می‌سازد که طرفین در نظر دارند، طرحی را مشتمل بر ۴ ماده را نهاده‌اند: ۱- عقب نشینی نیروهای نظامی طرفین به مرزهای شناخته شده بینا لملی. ۲- عدم بازسازی کشتی‌های آسوی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز و آزادی کشتیرانی در این مناطق. ۳- مبادله اسرای جنگی دو طرف. ۴- لایروبی اروندرود. مذاکرات دور سوم بر اساس طرح چهار ماده‌ای فوق صورت گرفت. در این بین دور مذاکرات عراقی‌ها با عقب کشیدن نیروهای نظامی دو طرف به عنوان اولین اقدام ضروری مخالفت کردند، در حالی که مبادله اسرا قبل از هر اقدام دیگری طلب می‌گردد و نیز خواهان لایروبی اروندرود توسط ایران بودند. در مقابل، نمایندگان جمهوری اسلامی روی اجرای ماده اول طرح چهار ماده‌ای دبیرکل اصرار می‌گردد و مبادله اسرا را فقط پس از عقب نشینی نیروهای پذیرفتند و با لایروبی اروندرود نیز در صورت پذیرش ضوابط مطرح در قطعنامه ۱۹۷۵ الجزیره توسط عراق توافق داشتند. در نتیجه اجابت‌های طرفین، مذاکرات مذاخیر راهگشایی به بار نیاورد.

مانع اصلی در عدم پیشرفت مذاکرات طرفین، اصرار رژیم صدام در انحاء قرار داد صلح ۱۹۷۵ الجزیره و مخالفت آن با عقب نشینی نیروهای نظامی به مرزهای بینا لملی است. رژیم عراق این قرارداد را با این دلیل رد می‌کند که خط مرزی آبی را خط "تال وگ" قرار داده است. صدام خواهان حاکمیت بر اروندرود است. او یک بار با ره‌گردن قرارداد الجزیره و لایروبی خلیج فارس، مرتکب اشتباه سیاسی بزرگی شده که سال جنگ، خون ریزی و ویرانی در هر دو کشور را به دنبال داشت. حال دیگر با شورس عراق در اصرار به عدم پذیرش آن قرارداد به عنوان مبنای مذاکرات، مرتکب اشتباه دیگری می‌شود. منشأ کارشکنی رژیم صدام و عدم پیشرفت مذاکرات در تحلیلات توسعه طلبانه این رژیم است. در این حال باید بر کارشکنی‌های جمهوری اسلامی با توسل به کنترل با زرسی کشتی‌ها در خلیج فارس و تنگه هرمز و سوء استفاده از تعداد زیاد اسرای جنگی که در اختیار دارد، برای گرفتن امتیازات کیده نمود.

مطابق اظهارات دبیرکل سازمان ملل، اوضاع کنونی در جبهه‌ها، بسیار خطرناک است. اظهارات دبیرکل سازمان ملل که بر مبنای گزارشات فرستاده و بی‌بزه و به دو کشور عراق و ایران تنظیم شده است، حاکی است که آتش بس در مرزهای دو کشور در خطر تهدید است و همه شرایط موید متزلزل بودن لایروبی است.

بازسازی در جنبه بسیج جنگی

رسوایی شکست سیاست ویرانگر "جنگ جنگ تاسا پیروزی" را برده بوشی کند. بوما تن "بیلگه کردن" مردم به مسیبن هت سال جنگ و کشتار شود. از همسایان نخستین روز اعلام پذیرش آتش بس یعنی ۲۹ مرداد، همسرانهای گروهی و امکانات تبلیغی رژیم در این جهت به کار افتاد و مسئولین ریز و درشت در وعده دادند به مردم درباراً راه اندازی کارخانجات، احیای کشتا ورزی، بازسازی شهرها و روستاهای ویران شده، ساختن راهها، ایجاد دینا در جدید، افزایش صادرات و واردات، رونق بازرگانی، رسیدگی به وضعیت جنگ زدگان و آوارگان جنگی و تبدیل ایران به بهشت برین از یکدیگر پستی گرفتند.

به تدریج اما به جای آن‌ها و هوای وعده‌های توخالی، نغمه دیگری سازده که با زری "همه جا نی" منوط است به تأمین کامل صلح و اطمینان نسبت به عدم تجدید جنگ و جنگ نیز هنوز تمام نشده و خطرات زسر گیری آن وجود دارد و روالخ.

راه آزادی، راه رزم قاطعانه است

آقای بازرگان رهبر "نیفت آزادی" چند سدی پیش در یک مصاحبه تلفنی با رادیوی بی.بی.سی گفت که علیرغم اظهارات مکرر رهبران ایران در مورد حمایت از "فشار سیاسی" و "آزادی بیان"، به مقام مردم ایران سویی از آزادی نرسیده است.

آقای بازرگان ضمن دیگر اظهارات خود، به فشارهای رژیم صهیونیستی و "جمعیت" اشاره نمود و به این ترتیب اقدامات رژیم صهیونیستی را در قبال آزادی دانست.

در اظهارات بازرگان، البته حقیقت تلخ سیطره خشن استبداد، تا حد اعمال شدید فشار بر نیروهای که می‌کوشند همه قوانین "ولایت فقیه" را رعایت کنند، انعکاس می‌ریخت داشته است. در آنچه می‌آید رژیم صهیونیستی "آزادی بیان" و دیگر "آزادی"ها کوچکترین محتوایی داشته باشد، بدون شک قبل از همه مایه‌ای آن محتوا و تاثیرات در راستای "نیفت" و "جمعیت" و دیگر جریان‌های مشابیه مشاهده کرد. چرا که این جریان‌ها در حرف هم پای خود را از محدوده دایره قانون اسلامی بیرون نهداده و به قول آخوندها "بیرونه پای کی" دارند. بدین ترتیب کنش و واکنش متقابل رژیم و جریان‌های سیاسی فوق، خودنویسی می‌باشند محتوای حاد قسطل ادعاهای سران حکومت اسلامی است. حال وقتی که آقای بازرگان هم "سویی" از "فشار" به مقامش نخورد دیگر بدیهه‌حالی سارین.

و اما حقیقت دیگری که در موضع گیری آقای بازرگان منعکس بود، همانا تا پیگیری خود ایشان در ساخت و دفاع از آزادی و هراس‌شان از تماس با حقایق خونبار را می‌آزمایند، رژیم صهیونیستی، آقای بازرگان در همان مصاحبه ضمن اشاره به امکان تعطیل "نیفت" در صورت تداوم فشار رژیم، بقیه در ص ۴

ها شمی رفسنجانی در سفر هفته اخیر خود به خوزستان، ضمن یک سخنرانی با ردیکره توضیح سیاست دولت در باره بازسازی پرداخت و با زهم با زری را درگرو "اطمینان کامل به صلح" قرار داد. وی گفت: "با اطمینان از عدم تجدید جنگ به وجود آمدن است" و با اطمینان به ما می‌باید خود را اجرا کنیم. ۱۰۰ و همچنین تشریح کرد که تا حصول اطمینان نسبت به عدم تجدید جنگ، گام‌ها را به بیشترین هزینه صرف می‌سازد و ما دگی جنگی خواهد شد و از بودجه جنگ به سود بازسازی هیچ وجه گام نخواهد شد. این اندیشه را رفسنجانی در سفر خود به کرمان که در نتیجه آن انجام شد تشریح به طور مشروح مورد تاکید قرار داد.

بازسازی ویرانی‌ها و تبااهی‌های ناشی از هشت سال جنگ ارتجاعی و تها و زکا رانه، اکنون به موضوع روز جامعه ما تبدیل شده است. در نخستین روزهای پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، رژیم آخوندی با وعده و وعیدهای فراوان در مورد بازسازی سریع کشور، به میدان آمد تا در پی ایجاد میدواری در مردم در جهت ترمیم سریع خرابی‌ها، افتضاح و

خواست مردم و برنامه مجاهدین

امروز دیگر کمتر نیروی سیاسی است که در پیکار رژیم صهیونیستی جمهوری اسلامی، تا مین دمکراسی و در راستای آزادی سیاسی راه هدف خود قرار ندهد. اما، استبداد خون ریز "ولایت فقیه" طی سال‌هایی که بر میهن ما جنگ انداخته است، آنچنان عققانی در زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خصوصی مردم ایران پدید آورده که در طول تاریخ کشور ما کم‌بالات رژیم آخوندی در این چند سال زندگی تنگنای هزاران نفر از فرزندان شریف و مبارزان را تشریح کرده، به‌دراخت و بی‌بازگشت زسر کشیده است. در این سال‌ها همه‌ها را زور فرورانه زندان‌ها شدند، هزاران نفر تبعید شدند و چند هزار نفر مهاجرت کردند. در این سال‌ها همه شوراها، سندیکاها و دیگر تشکلهای مستقل زحمتکشان را منحل و یا به شکل‌های حکومتی تبدیل شدند. در این سال‌ها مبارزات کارگران، کارمندان، دانشجویان و دانش آموزان، معلمان، پزشکان، مهندسان، بی‌بهره‌وران و حتی فعالیت‌های خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی، با سرکوب شدن و یا زیر فشارهای شدید قرار گرفتند. در این سال‌ها سیه‌خون آغشته مردم در خانه و زندگی خصوصی نیز آماج چنان تعرض‌ها، زوئین‌ها و تحمیل‌هایی شده‌اند که حدی بیشتر آن تصور نیست.

در چنین شرایطی، سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم ولایت فقیه که خود آماج شدیدترین سرکوبگریها هستند، چگونه می‌توانند تقدم مبارزه در راه تأمین صلح و آزادی و سرنگونی را ایجا کنند؟ واقعیت این است که تقدم مبارزه برای صلح و دمکراسی نه تنها به دلیل عققان حاد مسلط بر کشور ما، بلکه همچنین و اساساً به دلیل نیاز زنیادین جامعه به دمکراسی، به‌مثابه مهم‌ترین اهرم رشد اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی است. امروز در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری نیز مبارزه در راه صلح و تحکیم دمکراسی، یکی از بنیادی‌ترین جهات مبارزه نیروهای صلح و ترقی را تشکیل می‌دهد. تجربه کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته به روشنی اثبات می‌کند که تا مین و تعمیق دمکراسی، همه به‌مثابه مهم‌ترین اهرم رشد جامعه در کلیت آن، و هم به بقیه در ص ۲

تشکیل دولت مستقل فلسطین

عقب نشینی امام در برابر موسیقی! ۹ ص

پیروزی حزب مردم پاکستان ۱۰ ص

جنبش کارگری در جستجوی آلترناتیو دمکراتیک ۵ ص

شهادت رفیق جهانگیر فتحی در اوین

فدایی خلق، رزمنده ثابت قدم رفیق جهانگیر فتحی پس از دو سال مقاومت دلیرانه در سیاه‌چال‌های رژیم خمینی، آماج گلوله‌های دژخیمان خلق شد. رفیق "جهان" برورده رنج و زحمت رزمنده بی‌گسیر راه سعادت محرومان بود، بر سر پیمان خود با خلق ایستاد و سرافرازانه جان بر سر پیمان نهاد. ۱۲ ص

شهادت رفیق عبدالحسین آگاهی

رفیق عبدالحسین آگاهی، محقق برجسته، مبارز بی‌گسیر و استوار راه پیروزی مردم و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از مقاومتی قهرمانانه در برابر دژخیمان جمهوری اسلامی در شکنجه‌گاه‌های رژیم قتل رسید. او تا آخرین دم حیات پر شورش در سنگرزحمتکشان رزمید و با وفاداری به آرمان‌های شهادت رسید. ۱۲ ص

در این شماره

ایک در برابر آزمونی تازه ۴ ص

دهمین سالگرد اعتصابات نفت ۱۲ ص

نوسازی کامل دهنده انقلاب اکتبر ۲ ص

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

کارشناسی ...
بقیه از صفحه اول

آتش بس است. مطابق این گزارشات، در برخی از نقاط، مثل طاه و نیروهی، دو طرف تنها ۲۰ متری می باشد. در چنین شرایطی تحکیم آتش بس و جلوگیری از مذاکرات اهمیت جدی یافته است. این امر نیز قبیل از همه درگرو و آذاتن دورژیم، به ویژه رژیم صدام به پیش کشیدن نیروهای نظامی خود به پشت مرزهای شناخته شده در تقارن دالجزیره است. علاوه بر آن، لازم است که اقدامات دورژیم برای نگهداشتن هر دو کشور در حالت بیخ جنگی و گسیل دائمی نیروها به سوی مرزها، محکوم شود و فشارهای موشربینا لمللی و داخلی روبرو گردد. در همین راستا و با دریا فست

خواست مردم 5 ...

بقیه از صفحه اول

مشابه مهم ترین اثر کم ترش کیفی مبارزه طبقا نسی و بسط امکانات توده های میلیونی که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، نه تنها امروز، بلکه در آینده نیز یکی از بنیادین ترین آماج های نیروهای مسلح و ترقی را تشکیل می دهد. اگر در کشورهای پیشرفته سرمایه داران مبارزه در راه بسط و تحکیم دموکراسی جدید جایگاهی دارد، در کشورهای استبداد و در حال پیشرفت با زهم برادران چنین مبارزه های فزود می شود.

علاوه بر تجربه کشورهای سرمایه داری، تجربه کشورهای سوسیالیستی نیز، اگر چه به گونه ای دیگر، ضرورت حیاتی آزادی و دموکراسی را برای پیشرفت و تکوین جامعه و برای اعمال اراده واقعی مردم اثبات می کند. در کشورهای سوسیالیستی نیز آنجا که دموکراسی منسب شده، رشد و تکوین جامعه کند و حتی در سالیانی متوقف گردید و بین مردم و دولت مداخله یافته و فساد و فساد و فساد و فساد بحران شد. از همین رو است که امروز، جنبش نوزاد در هر یک از کشورهای سوسیالیستی که آغاز شده، به لحاظ سیاسی مهم ترین آماج خود را بسط و تحکیم دموکراسی قرار داده است.

و اما، به همان اندازه که دلایل اثبات کننده اهمیت و میریت دموکراسی برای جامعه بسیارند، دلایلی که اثبات می کنند بسیاری از سازمان های سیاسی ترقی خواه و مبارزان را برانند و دموکراسی را تنها اختیاری در عمل به آن پای بند نیستند، نیز بسیار است. برای اثبات این واقعیت تلخ می توان هم به برنام و هم به عمل این سازمان ها رجوع کرد. در این میان سازمان مجاهدین خلق، شاخص ترین نمونه است.

سازمان مجاهدین خلق اگر چه در مبارزه با رژیم ولایت فقیه، شهادت بسیاری داده است، اما هنوز نتوانسته برنام های قابل اعتماد برای دفاع از دموکراسی ارائه دهد. در برنام سازمان مجاهدین خلق اگر چه به گونه ای ظریف تر، گمان دین بسا دولت درمی آید و این گنج ترین شاگرد به سوی آینه مورده رژیم مجاهدین است. هر گونه در آ میز دین با دولت، به مثابه خطرناک ترین و با زارنده ترین مانع در برابر تأمین دموکراسی و آزادی های سیاسی و اجتماعی است. امروز دیگر به طاعت و هم خلافت در کشور ما امتحان خود را داده اند. رژیم سلطنتی اثبات کرده که قادر نیست دموکراسی را رعایت کند و قبیل از هر چیز به دلیل مخالفت این رژیم با دموکراسی بوده که مردم به با خاستن و آن را سرنگون کردند. و هزار بار با نصدال تجربه است که در دیکتاتورهای شرقی با دیکتاتورهای غربی تفاوتی ندارد. زکا می مردم را هتیار کرده است که ادعای بویک و شاید آن سلسله سلطنت طلبان در برابر آزادی را با زشتا سند و هر گونه راه با زشت حکومت موروثی را برینند.

در پی رژیم سلطنتی، رژیم اسلامی نیز امتحان خود را پس داده است. تنها دورژیم جمهوری اسلامی بسا دموکراسی چنان شدید است که بدون سرنگون کردن این رژیم، امید استقرار دموکراسی واقعی در کشور واهی خواهد بود. اگر دورژیم سلطنتی، شایه را تا به خدا، در زمین معرفی می کردند و به کمک این راه را انگیز حقوق مردم را تا بود و مبارزات مردم عرب را می کردند، در رژیم جمهوری اسلامی، با دانه و عربی، ولی فقیه "به عنوان امام سیزدهم" نماینده "ولی عمر" و همچون کسی که مستقیما بسا شخص خدا طرف مذاکره و معامله است، معرفی می شود و به کمک این "امام کذابی مردم را کشتار و کشت و ویران می کنند.

علاوه بر ایران، در کشورهای دیگری جسون پاکستان و عربستان سعودی انواع رفیق تری از در آ میز دین و دولت به نمایش گذاشته شده و نتیجه مشابهی به دست آمد. عربستان نا خود مدعی و پاکستان نیز با الحاق پس از ایران، جزا استبداد زده ترین کشورهای منطقه را گرفتند. در آنجا هم دیکتاتورهای مفا عا سیاسی و مذهبی حتی زندگی خصوصی توده ها را آماج تحمیلات شدید و تحقیر آمیز قشری کرده است. با توجه به همین تجربه بود که هفته پیش مردم پاکستان را رای حکم محکوم میسست دیکتاتورهای اسلامی را در کردند.

مجموع تحارب "رژیم های اسلامی" اثبات کرده است که مهم ترین تقاضای سیاسی این رژیم ها بسا دیکتاتورهای معمولی، عبارت است از بهره گیری

حساسیت و واقع در مرزهای دو کشور، شورای امنیت سازمان ملل طی اعلامیه ای از هر دو کشور خواست که برای پیشرفت مذاکرات بر پایه طرح چهار رساله ای حدا کثر تلاش خود را به عمل آورند.

راه اصلی حل اختلافات و احتساب از دموکراسی تا زه ای است که طرفین بیخ بیرو استوار حالت جنگی را کلا قطع کنند. قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبنای حل اختلاف مرزی و گفتگو بسوزینند، به تحریک علیه یکدیگر با آن دهنده همه اختلافات را از طریق مذاکره حل کنند. بسط فضا تا ۵۹۸ شورای امنیت زمینه مناسب حل اختلاف به طریق سیاسی را فراهم کرده است و طرفین با بسط آن را به اجرا آورند.

عوام فریبانه از "اسلام" برای پیشبرد سیاست ضد مردمی و ضد بشری، تکیه این رژیم ها بر "اسلام" اساسا هدفش سوء استفاده از عقایدات و وجدانیت مردم برای تحکیم موقعیت قدرت یا فتگان و تحمیل سیاست های ضد مردمی و به غایت ضد مکرانیک بسه جامعه است. خلاصه کلام، تاکنون در جهان کشورهای مسلمان هر رژیمی که خود را اسلامی نامیده است، هدفش سرکوب بیشتر و خون ریزی شدید تر بوده است، هدفش تبدیل اسلام به یک حربه سیاسی مشخص برای سرکوب مخالفین و ارباب و سرکوب توده های میلیونی بوده است.

البته همه این رژیم ها با شدید ترین تبلیغات خود را مدافع "آزادی"، "دموکراسی"، "مستغفان و "محرمان" معرفی کرده می کنند. مدافعین این رژیم های اسلامی سعی می کنند شدید تر بسن و حتی جلی ترین شعارهای مردم بسند و به اصطلاح عدالت جوایی را علم کنند. اما هیچ رژیم اسلامی تاکنون به هیچ یک از خواست های بنیادی مردم زحمتکش پاسخ نداده است. تاریخ نشان داده است که شعارهای پر مظهر و عدالت جوایی این رژیم ها نیز در حقیقت برای فریب و سرکوب مردم و سازمانهای سیاسی ترقی خواه.

مفا عا سازمان مجاهدین خلق نیز در پی بهره برداری از اسلام و تحلیقات مذهبی و فرهنگتدی مردم به منظور استقرار یک رژیم غیر دموکراتیک است. وقتی سازمان مجاهدین، استقرار جمهوری دموکراتیک اسلامی، راه عنوان هدف مقدم خود اعلام می کنند، از یک سو قصد دارند که در برابر رژیم خمینی مقابل به مثل کنند و با استفاده از همسازان حرسه ای که خمینی و سوله اند، مردم را فریب داده و دنبال خود کشید، از دهر با سوی خود کشند، و از سوی دیگر قصد دارند از این وسیله برای مفا عا بسا نیروهای ترقی خواه سپهره بسوزینند، و واقعیت این است که کارایی حربه مجاهدین بیشتر در مفا عا بسا نیروهای ترقی خواه است که مخالف در آ میز دین و دولت اند.

رهبری سازمان مجاهدین خلق زیر فشار نیروهای ترقی خواه و نیروهای متحد خود در "شورای ملی وقت" اندیشه در آ میز دین و دولت را تنها آجا که روی کاغذ است، با رنگ و لعاب زینت داده اند، را ظریف و ظریف تر کرد. اما در روی خاک و در عرصه عمل، قدر رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران برای دینی کردن دولت و سوء استفاده از وجدانیت مردم، شدتی بیش از هر زمان پیدا کرده است. ما جباری انقلاب آیدئولوژیک" رویدادهای بی اثر نشان داده که در عمل رهبری مجاهدین فاصله بینش و روی خود را با خمینی به شدت کاهش داده، در موازات بسا شیوه های خمینی بهره گرفته و در مواردی نیز دست آقا را از پشت است. "عروج مسعودی و همسر وی به مقام پیشوای حادان و بر این شدن شدید گیش برستش مریم و مسعود در سازمان مجاهدین و تبدیل مجاهدین به پرستندگان ساده مریم و مسعود خفانی که بر سازمان مجاهدین مسئولی دستور دیکتاتور که از هزاران مجاهد ساخته شده، همو همه گواه آن است که در چشم انداز برنام و سیاست پیشوایان مجاهدین چیزی جز استقرار یک دیکتاتور اسلامی به غایت خشن که در آن ریاست گیش برستش رجوی رایج شود، مشا هده نمی شود.

رهبری سازمان مجاهدین در مقابل نیروهای که می بایست جبهه و حاضر دورژیم ولایت فقیه را تشکیل دهند، نیز گرایش های غیر دموکراتیک خود را بروز داده است:

رهبری مجاهدین در رابطه با نیروهای ضد سلطنت و خلافت، به جای ارجح قرار دادن نیاز جنبش مردم (که اتحاد را می طلبد)، مصالح و حتی احساسات خود را مینسازد و به سر خوردن های انتقامجویانه و تفرقه آمیز دست می زند.

رهبری مجاهدین در سر خوردن با برین، رابطه دموکراتیک و بر حقوق را نفی می کند.

رهبری مجاهدین به جای پذیرش اتحاد بسا دموکراتیک همه نیروهای ضد سلطنت و خلافت، بسود را محور قرار می دهد و دیگران را به پذیرش شروط و برنام و رهبری خود قرار می خواد.

رهبری سازمان مجاهدین برای مبارزه بسا رژیم خمینی و سوله و اقدامی را حاکمی شمارد، تا بدانجا که به عراق و شرایط جنگی متکی می شود و درست در لحظه قطع آتش بس از سوی ارتش های ایران

در لحظه کنونی، برای دستیابی به اجسرای قطعنامه ۵۹۸، تحکیم آتش بس اهمیت جدی دارد و برای این کار، عقب کشیدن نیروهای نظامی به مرزهای بیجا لمللی نقش قطعی ایفا می کنند. علاوه بر آن، لازم است اسرایی قید شرط و به طرکامل آزاد شوند و با زکشت دا و طلبا به هم آتان به میهن خود تا مین شود. نباید اجازه داد که زندگی این انسانها و سوله متنا زکشتن های با چخواها نه شود. در لحظه کنونی اجرای اعلامیه های قید شرط طرح جبار مده ای دربرکل سازمان ملل را به پیشرفت و غلبه بر مشکلات در مذاکرات را می گشاید. دورژیم با بسا بدون کارشناسی و دفع الوقت، این طرح را به اجرا گذارند.

عراق و آغا ز آتش بس، به حمله جنگی دست می زند و صلح را به خطر می اندازد و مدها نخران به کشتن می دهد. مجموع این اقدامات سبب شده است که امروز فاصله مجاهدین از نیروهای مبارز بیشتر از هر زمانی با شد و مجاهدین عملا خود را در حصار سیاست های قشری خود محصور کنند. رهبری سازمان مجاهدین در تداوم تفرقه در صفوف نیروهای مبارز تسلط و خلافت نقش جدی دارد.

کمیته مرکزی سازمان ما سیاست عمومی ما را در مقابل سازمان مجاهدین خلق مشخص کرده است. این سیاست مبتنی است بر تلاش برای جلب سازمان مجاهدین خلق به همکاری و اتحاد دو مبارزه علیه رژیم خمینی و به خاطر صلح و آزادی. سازمان ما می کشد بر پایه بر حقوقی، دموکراتیک ترسین و مناسبات را با دیگر سازمان های سیاسی مترقی و مبارز برقرار رکنند و بدون هر گونه پیش شرطی، بر پایه اتحاد آماج های مشترک با این سازمان ها همکاری و اتحاد کند. این سیاست در عین حال ایجاب می کند که ما صرفا اشتقادات خود را به سازمان مجاهدین خلق، ابراز نکنیم و برای ایجاد انگیزه جهت رفع کج روی ها و سیاست و خط مشی مجاهدین بکوشیم. به اعتقاد ما عدم توجه رهبری سازمان مجاهدین خلق به اهدافین و رده بر سیاست و خط مشی مجاهدین، هم برای ما و هم برای کل جنبش ضد رژیم ولایت فقیه زیا نمند و حتی مخرب است. بدون شک، رهبری مجاهدین چنانچه تجربه بسا برکتورهای، خصوصا تجربه کشورهای اکره همچون ما زیر سیطره دیکتاتور می هستند، در نظر بگیرد، آنگاه می تواند اهمیت بسوزیند در دموکراسی، اهمیت رابطه دموکراتیک با سازمان های مبارز و خصوصا اهمیت اتحاد دو همکار را به خاطر آماج های مشترک را به گونه ای دیگر با زشتا بسا. امروز در ترکیه، نیلی، پاکستان، عراق، آفریقا و جنوبی، السالوادور و در برخی دیگر از کشورهای زیر سلطه استبداد دیکتاتور، نیروهای ترقی خواه بسیار موفق ترا می توانستند انواع همکاری ها و اتحادها را تا تشکیل جبهه پیش بریند.

چشم بستن بر همه این واقعیات و سردر لاک خود کردن و راه خود را رفتن و به تفرقه جنبش با نظرسر یقی و تفاتی نگریستن، نمی تواند نشانه هیچ سازمان سیاسی مسئولی باشد. اعتقاد ما این است که علیرغم سطره گیری هایی بسا رجدی بر برنام و خط مشی سازمان مجاهدین خلق، بسا اعتبار نیروی فداکار و مبارزی که در این سازمان کرده و با عصار بسیاری رست های رزم جوایی و ترقی خواهانه بسا در تاریخ این سازمان، هنوز، مکانات بزرگی در جهت زدودن گرایش های غیر دموکراتیک و تفرقه افکنانه در صفوف مجاهدین وجود دارد، به دیده حای سبت کیر پهای ضد مکرانیک، شخصیت پرستانه و تفرقه افکنانه، مجاهدین خلق در سمت گسترش دیکتاتوریت بر برنام و خط مشی زندگی سیاسی خود، دور سمت تبدیل شدن به یک عامل اتحاد در صفوف نیروهای رزمنده ضد رژیم خمینی پیش بریند، امید است که همه سازمان های سیاسی بدروشنی دریا بسند که مردم ایران - خصوصا پس از جنیدن زهرا استیدا دفقا هتی - دیگر در مقابل هر گونه برنام و سیاست ضد مکرانیک، در برابر حکومت های مذهبی و فترقه ای و در برابر دیکتاتورهای این با آن حزب خواهند ایستاد. خواست مردم صلح و آزادی و امنیت و گسترده ترین دموکراسی است. خواست مردم استقرار رژیم است که به حای تکیه برین و تکیه بر جناح و تکیه بر این با آن فرقه، و به جای قبضه شدن در جنگ این با آن حزب خاص، مستقیما بسر اراده زادانه خود مردم متکی باشد. مردم می خواهند رژیم ولایت فقیه سرکنا ز شود و رژیم خودشان استقرار یابد. ولایت در برابر مردم قورتن با شیم و بسا یستی تحقق خواست آنان متحد شویم.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
مهاجرین باید آزادانه
به کشور خویش بازگردند!

پیام شادباش کمیته مرکزی سازمان به شورای مرکزی

سازمان آزادیبخش فلسطین

به : شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین

همرزمان می با سرعفات
 کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
 (اکثریت) با سرور اعلام تشکیل کشور مستقل
 فلسطین را که در راستای تحقق آرمان دیرین خلق
 قهرمان فلسطین در تعیین سرنوشت خویش است، به
 سازمان آزادیبخش فلسطین شادباش می‌گوید.
 اعلام تشکیل کشور مستقل فلسطین توسط اهل
 فوق‌العاده شورای ملی فلسطین، در پی مبارزات
 جسکی ناپذیر و قیام‌گرایانه رده خلق فلسطین ضربه‌ای
 جدی به تجاوزکاری‌های دولت صهیونیستی سراسیل
 وارد آورده است. خلق عرب فلسطین اکنون مبارزه
 خود را علیه سرکوب فاشیستی رژیم سراسیل با
 کیفیت جدید و آینه‌ای روشن تراد به‌خواهد داد.
 اعلام تشکیل کشور مستقل فلسطین و پشتیبانی
 بلافاصله تعداد دیگری از کشورهای سازمان‌های سیاسی
 و محافل بین‌المللی یک موفقیت جدی برای سازمان
 آزادیبخش فلسطین و ما به اعتبار روزافزوان است.
 دوستان گرامی
 مردم‌مپن ما دیرپوی و سرور خلق فلسطین
 خود را شریک می‌دانند، و از تشکیل کشور فلسطین و
 مبارزه مردم آن تا پیروزی نهایی قاطعانه
 پشتیبانی می‌کنند.
 کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
 (اکثریت) با ردیگر حمایت قاطع خود را از مبارزه
 خلق فلسطین و تشکیل کشور مستقل فلسطین اعلام
 می‌دارد و برای خلق به‌باخته و قهرمان فلسطین
 پیروزی‌های بزرگ تر آرزو می‌کند.

کمیته مرکزی
 سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 ۲۵ آبان - ۱۳۶۷

بتوانند با تکرار و خلاقیت‌های مردم ایرانگیرانند
 و با ورنه راه‌پیروزی سیاست‌ها و برنا همه‌های
 دگرگون ساز حلب کنونیست‌های اقتصادی
 نوین را با سرعت و شتاب به‌جا برآورند.
 در این زمینه، کارهای زیادی صورت گرفته و اشکال
 و شیوه‌های تولیدی که هنوز ظرفیت خود را
 تا مین نیازی‌های اقتصادی کشور حفظ کرده
 با آزدست نداده‌اند، احیا و ایجاد می‌گردند.
 نوسازی و نواندیشی در عرصه‌های سبک‌ساز
 بین‌المللی اتحاد شوروی، پیش‌از هر عرصه دیگری
 کارایی خود را به‌ثبوت رسانده است. کام‌های
 بزرگی که در راه مبارزه‌ها هستند، و مسابقیه
 تسلیحاتی برداشته شده است، از درختان تریسبون
 دستاوردهای جنبش نوسازی در اتحاد شوروی محسوب
 می‌شود. امکانات تازه‌ای برای بهبود امکانات
 بین‌المللی اتحاد شوروی و همزیستی مسالمت‌آمیز
 دولت‌های با نظام‌های مختلف به‌وجود آمده است.
 نوسازی حزب کمونیست اتحاد شوروی در
 مناسبات با احزاب کمونیست و کارگری، جنبش‌های
 دموکراتیک و ترقی‌خواه جهان تا شیرات و تنبیرات
 محسوسی را به‌وجود آورده است.

تحولات نوسازی در جنبش خلق چین و جنبش
 نوسازی در اتحاد شوروی شریکی را پدید آورده است
 که می‌تواند بر مناسبات تیره میان دو حزب کمونیست
 چین و شوروی طی ربع قرن، نقطه‌پایان گذارد
 پیشروی موفقیت‌آمیز و روند نوسازی در اتحاد
 شوروی بر ترویج نگرش احزاب کمونیست و ترقی‌خواه
 جهان نسبت به سوسیالیسم از جهات گوناگون اثر
 خواهد گذاشت. از یک سو زودین هرگونه تفسیر مجرد
 و تخیلی از سوسیالیسم، جدا از تکامل نیروهای
 مولده، رفا و عدالت اجتماعی را در پی خواهد
 داشت و از سوی دیگر، سیاسی عمیقاً انسانی و
 دموکراتیک سوسیالیستی را روشن تر خواهد کرد.
 بدین ترتیب تا قوس انقلاب اکثریت به‌همین سان که
 برپا کنندگان آن شتابانانه در راه تحقیق
 قربانی‌های بی‌شمار و انسانی‌های شگرف از
 خودشان داده‌اند، وطن‌ها را در پی خود را در روند
 نوسازی و نواندیشی بازمی‌ابد. □

پیگرد همه افسران، درجه‌داران، سربازان
 و سپاهیان که به خاطر عدم تمکین به
 سیاست‌ها و فرامین جنگی تحت تعقیب
 قرار گرفته‌اند و پیگرد همه مشمولانی که
 به هر دلیل از خدمت سربازی و یا رفتن
 به جبهه‌ها و خدمت به جنگ سرباز زده‌اند
 باید فوراً متوقف گردد.

پیام شادباش کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به مناسبت ۷۱مین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

به : کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به : رفیق میخائیل سرگیویچ گابریلوف، دبیر
 کل حزب کمونیست و صدشورای عالی اتحاد
 جماهیر شوروی سوسیالیستی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
 (اکثریت) فرا رسیدن سالگرد انقلاب سوسیالیستی
 سوسیالیستی اکتبر را به‌شماره‌های گرامی و به‌همه
 مردم زحمتکش و صلح‌دوست اتحاد شوروی صمیمانه
 شادباش می‌گوید. جشن بزرگ اکتبر، یادآور نبرد
 شگوه‌مند و ناپذیرانه خلق‌های شریف اتحاد شوروی
 برای پیروزی بر استعمار روستا و استبداد و پهنسای
 کثوری بر پایه‌های صلح و دموکراسی و عدالت است. این
 آرمان‌های مقدس که طی هفت دهه‌های از پیروزی
 اکتبر درفش راه‌های مردم اتحاد شوروی بوده،
 اکنون در هنگامه نوسازی امیدآفرین زندگی
 اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و فرهنگی
 شوروی، زرف ترودرخشان تر از هر زمان جلوه‌گر
 شده‌اند.

کمیته مرکزی سازمان ما اعتقاد داریم که
 امروز گرامی‌داشت انقلاب سوسیالیستی اکتبر و
 حمایت از خواست‌ها، نیازها و آرزوهای مردم اتحاد
 شوروی بدون حمایت قاطع و بی‌گنجا ز جنبش نوسازی
 در اتحاد شوروی، که با پیروزی کمیته مرکزی حزب
 کمونیست اتحاد شوروی و روشن اندیشی و فداکاری
 تحسین انگیز شخص رفیق میخائیل گابریلوف به
 ترسیم چشم‌انداز نوین در زندگی مردم شوروی
 برخاسته ناممکن است. جنبش نوسازی نقش
 کلیدی در پیشبرد و اعتلای سوسیالیسم و در تقویت و
 تحکیم مواضع جنبش کمونیستی و کارگری و همه
 نیروهای ترقی‌خواه جهان به‌عهده گرفته است.
 نوسازی اتحاد شوروی همان‌گونه که تا کنون
 گذشته نشان می‌دهد، تا ثیری بسیار رستورک در
 رفع تشنج و خطر جنگ در مقیاس جهانی و در احیای
 مناسباتی سازنده و عادلانه میان کشورهای جهان
 داشته است. بدون شک از پیروزی انقلاب اکتبر
 کثون هرگز سوسیالیسم و اندیشه سوسیالیستی
 بدین پایه‌ستبرگ برای اثبات جوهر انسانی،
 عدالت‌خواه، آزاد و صلح‌دوست خود نگردانده است.

نوسازی تکامل دهنده انقلاب اکتبر

هفتاد و یک سال از پیروزی انقلاب کبیر
 سوسیالیستی اکتبر می‌گذرد. مردم اتحاد شوروی و
 حزب کمونیست آن هفتاد و یک سالگی انقلاب
 کشورشان را با برگزاری مراسم راهپیمایی و
 رژه جشن گرفتند.
 طبقه کارگر و توده‌های میلیونی دهقانان و
 زحمتکشان روسیه در هفتاد و یک سال پیش تحسین
 رهبری لنین و بلسویک‌ها عزم و اراده‌ای نا‌پذیر
 خود را برای پی‌اف‌کندن زحمتکشان به
 آزمون تاریخ گذاشته‌اند و پیروز در آمدند.
 سوسیالیسم با عمده‌الت‌خواه‌هاش در اتحاد
 شوروی رشد کرده و پدیدار گردید و بسیاری از خواست‌های
 عدالت‌خواه‌هاش در اتحاد شوروی رشد کرده و تکمیل
 پیدا کرد. بسیاری از خواست‌های اساسی زحمتکشان،
 در راه ما هم، اما لیکت سرما به‌داری بر سایل تولید
 را پایان داد.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر در کشوری به
 وقوع پیوست با سطح متوسط رشد سرمایه‌داری و
 برتری نفوس دهقان‌ها و با زمان‌های فئودالیسم
 در جنبش کشوری، برپایی سوسیالیسم نیازمند کار
 فکری و ابتکار و خلاقیت عظیم بود. مناسبات از میان
 انبوهی از عوامل و شرایط پیچیده، راه‌های سبک‌ساز
 صحیح برپایی سوسیالیسم بیرون کشیده می‌شد.
 در اتحاد شوروی، سوسیالیسم برپا گشت، اما
 به‌موازات آن خطا‌ها و کسوری‌ها ای‌ج‌دی که مهم‌ترین
 آنها به‌سیاست‌های اراده‌گرایانه‌هاست لنین و
 سرکوب مخالفان عقیدتی توسط اوسری‌گوردونووی
 کرد. عدم توانایی در درک و کاپیت دموکراتیک،
 لطمات جدی به رشد و شکوفایی اقتصادی و اجتماع
 و اردنمود. تلاش‌هایی که در او خنده‌ها و اوایل
 دهه ۶۰ برای انجام رشت‌های اصلاحات سیاسی -
 قضاوی صورت گرفته بود، به‌واسطه برخاستن
 شتابان و ذهنی‌گری‌ها تا کاما نده بدین سان
 نوسازی و بازسازی جامعه سوسیالیستی به‌تعویق
 افتاد. در سال‌های اخیر، تلاش‌های سوسیالیست
 پیگیران برای نوسازی انقلابی همه‌شش‌سئون
 زندگی جامعه شوروی صورت می‌گیرد. با زمینی‌راه
 لی شده در مایه‌های شتون زندگی گذشته جامعه شوروی
 سیما جریان یافته است. در مطبوعات اتحاد شوروی
 به‌روزه مقالات و تحلیل‌های مختلفی در سراسر
 سایل زندگی سوسیالیستی دیروز و امروز چاپ
 می‌شود. دموکراسی، علمیت، انتقاد و انتقاد از خود

رفقای گرامی!
 بی‌گمان سالی‌گذشت به‌نوبه خود سربازان
 دستاوردهای مادی و معنوی جدیدی برای مردم
 اتحاد شوروی بوده است. برگزاری کنفرانس نوزده
 حزب کمونیست اتحاد شوروی و مجمع تصمیم‌گیری
 برای بازسازی ساختار سیاسی و اقتصادی کشور و
 خصوصاً گسترش دموکراسی در همه عرصه‌های زندگی مردم
 اتحاد شده، جنبش نوسازی در اتحاد شوروی را کاملاً
 بزرگ پیش برده و شرایط نوینی برای سربازی
 کاستی‌ها، عقب‌ماندگی‌ها و دیگر کیدیده‌های ناهمخوان
 با جامعه سوسیالیستی را فرا هم‌کرده است. تا کید
 فزاینده دموکراسی و ضرورت مبارکت هر چه
 گسترده‌تر به‌دم‌رحیات سیاسی و در مرکز توجه قرار
 دادن مسائل و نیروهای مولده و رفا و اقتصاد
 مردم بیانشگردک عمیق حزب کمونیست اتحاد
 شوروی از نیازهای جامعه و خلق‌های اتحاد شوروی
 و نشانگر عزم آن برای پیشروی تا به‌آخردر راستای
 آرمان‌های لای‌جا و جامعه سوسیالیستی است.
 رفقای گرامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
 (اکثریت) با ردیگر فرا رسیدن سالگرد انقلاب کبیر
 اکتبر را به‌کمیته مرکزی و همه کمونیست‌ها و همه
 مردم اتحاد شوروی شادباش گفته و برای همه رفا
 همرزمان آرزوی موفقیت می‌کند.

رفقای گرامی!
 کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
 (اکثریت) برای حزب کمونیست و همه مردم اتحاد
 شوروی آرزوی پیروزی در این سربزرگ و تاریخی
 ساز دارد. ما مطمئن‌اند از این‌که پیشروی امرنوسازی
 قادر است آرزوهای مردم شوروی را جامعه سوسیالیستی
 بیوشان دور آینه‌های هر چه درختان تر آینه
 روی آنان باز کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران
 (اکثریت) با ردیگر فرا رسیدن سالگرد انقلاب کبیر
 اکتبر را به‌کمیته مرکزی و همه کمونیست‌ها و همه مردم
 اتحاد شوروی شادباش گفته و برای همه رفا
 همرزمان آرزوی موفقیت می‌کند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 اول نوامبر ۱۹۸۸

تلاش برای تأمین مشارکت وسیع مردم در اداره امور
 کشور و معد، محیط کار و تازه و امیدآفرینی را
 پدید آورده است. حزب کمونیست اتحاد شوروی مردم
 را به‌یکباره علیه تمامی بیدیه‌های منفی دعوت
 می‌کند. اما برای مردمی که سالیان طولانی در
 مبارکت فعال در اداره امور و ساز آزارها نه‌نظرات
 و انتقادات خود شری نمی‌دیدند، زودودین روحیه
 تمکین به‌بوروکراتیسم و محافظه‌کاری به‌تأسی
 مقدور نیست.

رهبری جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی
 بی‌وقفه می‌کوشد که توده‌ها مطابق روح سوسیالیسم،
 به‌صحنه‌بیکار را محافذکار و بوروکراتیسم کاملاً
 گذارند تا این‌غول عظیمی که پدیدایش با
 روح سوسیالیسم بیگانه‌هاست، به‌زاد نور آید. مبارزه
 با بوروکراتیسم و غلبه قطعی بر این سرطان ساسد
 کننده، راه معدرکوتاه مدت به‌برنمی‌بینند. مسئله
 اصلی در این راه پدید آمدن تحول فکری و روحی در
 توده‌هاست و اینک‌ها همین چندسال تغییرات
 محسوسی در اندیشه مردم شوروی به‌وجود آمده است.
 رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی نوسازی و
 بازسازی را ابتدا از درون خود حزب آغاز کرده است.
 هر یک از زیل‌نوم‌های کمیته مرکزی، کار جدیدی در راه
 نوسازی در رشته‌های مختلف و مبردا منه و عمق تغییر
 و تحول در زندگی حزبی و در زندگی سیاسی، اقتصادی و
 معنوی کشور افزوده است. نوزدهمین کنفرانس
 سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی تغییرات اختار
 سیاسی حکومت را در راستای انطاق کارهای ضرور
 برای اداره کشور مطرح ساخت. این کنفرانس به
 لحاظ شیوه کار و روحیت بررسی دموکراتیک و علمیت
 مسایل طی چنددهه‌ها اخیر در اتحاد شوروی بی‌سابقه
 بوده است. بنابراین تصمیم‌گیری‌ها، بلنوم کمیته
 مرکزی و تغییرات ساختاری در دستگاه رهبری حزب
 به‌منظور تسهیل در تصمیم‌گیری‌ها و افزایش
 اختیارات ارگان‌های پایین‌تر است.

نوسازی در زمینه مورفونتی و معنوی جامعه
 پیش‌از هر عرصه دیگر شتاب یافته و مورد استقبال اکثر
 روشنفکران و نیروهای آگاه و بویسای
 کشور قرار گرفته است. در بخش‌های هنری و فرهنگی
 علمی کشور، تبت و تاب‌ج‌دی پدید آمدن ترقی‌خواه
 استکارات فکری و علمی و تحقیقاتی از نو، نشسو
 و نمایافته است!
 دگرگون‌سازی در عرصه اقتصاد با تکیه بر
 رشد نیروهای مولده، بهره‌گیری همه‌جانبه از انقلاب
 علمی - فنی معاصر، عرصه‌های نوسازی انقلابی
 جامعه شوروی را تشکیل می‌دهد. موفقیت نوسازی و
 نواندیشی دگرگرایان‌هاست که جنبش و دولت چگونه

جنبش کارگری در جستجوی آلترناتیو دمکراتیک

از مجله "کمونیست" ارکان سیاسی - شورویک کمیته مرکزی ح.ک.ا. ش. شماره ۱۴، ۱۹۸۸
یوری کراسین

در سال‌های هشتاد جنبش کارگری کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری با پدیده‌ای روبرو شد که 'موج محافظه‌کاری' نامیده می‌شد. محافظه‌کاری جدید (نئوکانسرواتیسم) جای سیاست دولت را که به تنظیم اقتصاد و بازتوزیع درآمد ملی به سود اقلیت کم‌بضاعت اهالی متوسل شده بود، گرفت و منشور خود را اعلام کرد: آزادی فعالیت بخش خصوصی و حذف هرگونه محدودیت ناشی از دخالت دولت در روند بازتولید.

انتقام اجتماعی در رابطه با آن دستاوردهایی که جنبش کارگری و دمکراتیک در دوره پس از جنگ بدان نایل آمده بود، مهری بود که محافظه‌کاری جدید بر پیشانی داشت. از این رو در ابتدا به نظر می‌رسید که 'موج محافظه‌کاری' به زودی می‌بایست مقابله اکثریت اهالی را برانگیخته، فروکش کند. آخر این موج، افزایش بیکاری، بازستانی دستاوردهای اجتماعی زحماتگشان، تشدید گرایشات تجاوزکارانه سرمایه‌داری و تحکیم سیستم نواستعماری استثمار کشورهای رو به رشد را به دنبال می‌آورد. لیکن محافظه‌کاری جدید برخلاف پیش‌بینی‌های پرشمار، بسیار پایدار از کار درآمده و چیزی هم که به ویژه غیرقابل انتظار بود آن که پشتیبانی پایین را هم به دست آورده است. جنبش کارگری یعنی احزاب کمونیست و سوسیال دمکرات با مساله تغییر سمت استراتژی روبرو شدند. برای حل این مساله تیل از هر چیز باید روندهای عمقی کنونی در رشد و تکامل تولید اجتماعی را به لحاظ تئوریک تبیین نمود.

همل موفقیت محافظه‌کاری جدید به آن تغییراتی در سرمایه‌داری بر می‌گردد که تحت تاثیر دگرگونی‌های ژرف در پایه‌های فنی - اقتصادی تولید اجتماعی، رخ می‌دهند. در مرز سال‌های هفتاد و هشتاد، انقلاب هلمی - فنی در قلمرو سرمایه‌داری پیشرفته به مرحله کیفیتا نوینی رسید: انقلاب تکنولوژیک به منزله تحولی انقلابی در نیروهای مولده جامعه آغاز گردید. عناصر اصلی این تحول چنین اند: دگرگونی ساختاری تولید اجتماعی بر پایه تکنولوژی هلم بر، کاربرد تکنیک میکروپروسه‌ها، انفورماتیک، تکنیک روبات، سیستم‌های خودکار مدیریت، و بیوتکنولوژی.

اما آنچه که در پس این جلوه‌های بیرونی انقلاب تکنولوژیک نهفته است، کدام است؟ تفکرات دوران‌اندیشانه مارکس در فصل 'دست‌نوشته‌های اقتصادی سال‌های ۱۸۵۹-۱۸۵۷' (این فصل به رشد و تکامل سرمایه‌داری به عنوان شاخص رشد و تکامل تولید سرمایه‌داری اختصاص دارد) برای تجزیه و تحلیل روندهای جاری از اهمیت متودولوژیک فراوان برخوردارند. مارکس در آنجا هواقب همان تغییرات تکنولوژیکی را شرح می‌دهد که در عصر ما مشاهده شده‌اند.

انقلاب تکنولوژیک در ماهیت امر، صرفه‌جویی فراوان کارزنده و بیرون رانده شدن آن از خودرود تولید را موجب می‌گردد. مارکس می‌گوید: 'کار دیگر بیش از آن که در شمول روند تولید باشد، برعکس، چنان کاری است که در جوار آن، انسان در رابطه با خود روند تولید همچون کنترل‌کننده و تنظیم کننده آن برآمد می‌کند... کارگر به جای آن که حامل اصلی روند تولید باشد، در کنار آن قرار می‌گیرد' (کارل مارکس و فردریک انگلس، مجموعه آثار، جلد ۴۶، بخش ۲، صفحه ۲۱۳).

بدین ترتیب ایجاد ثروت واقعی هرچه کم‌تر به زمان کار و کمیت کار صرف شده و هرچه بیشتر به قدرت آن هومالی از تولید وابسته می‌شود که در طول زمان کار به حرکت درمی‌آیند و شربضی بالایشان نه بلاواسطه با زمان کار لازم برای تولید آنها، بلکه با سطح هومی هلم و کاربست آن در تولید و پیشرفت تکنیک معین می‌شود.

به لحاظ تجربی - تئوریک می‌توان گفت که این تغییرات در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری نمی‌گنجد (مارکس هم این نکته را در 'دست‌نوشته‌های اقتصادی' یادآور می‌شود) و گذار به طراز بالاتری از مناسبات تولیدی یعنی گذار به سازمان سوسیالیستی جامعه را طلب می‌کند. لیکن تاریخ از قوانین 'جبر تکنولوژیک' تبعیت نمی‌کند. انقلاب تکنولوژیک در شرایط سرمایه‌داری جریان می‌یابد، بدون آنکه به طور خودکار موجب انقلاب اجتماعی شود. اما البته وضعیت اقتصادی در کشورهای سرمایه‌داری از ریشه دگرگون می‌شود و این خود چرخش سیاست اقتصادی طبقه حاکم را به سوی واقعیت‌های تحولی در نیروهای مولده ضرور می‌سازد.

محافظه‌کاری جدید پیش از همه روح زمان را درک کرد. انقلاب تکنولوژیک تغییرات ساختاری همیتی را در تولید اجتماعی ضرور ساخته بود که از چارچوب ملی فراتر می‌رفت. این نیاز هینی در سیاست اقتصادی محافظه‌کاری جدید بازتاب یافت. کاربست تکنولوژی‌های منعطف که موجب تحرک بالای روند تولید می‌شوند در شرایط سرمایه‌داری مستلزم رهاسازی اقتصاد از قید تنظیم سخت دولتی، کاهش فشار مالیات دولتی، تشویق ابتکار کارفرمایان، ریسک در شقوق مختلف تلاش برای دستیابی به راستاهای آینده‌دار پیشرفت تکنولوژیک و نیز مستلزم سرعت همل در تصمیم‌گیری است و آن هم نه تنها در سطح موسسات بزرگ، بلکه همچنین در سطح موسسات متوسط و کوچک. اهم‌های دولتی تنظیم بلاواسطه روندهای تولید بیش از حد هریض و طولیل و کم‌اثر شده و قادر نیستند تمامی

راستاهای هرصه‌های رشد و تکامل اقتصاد را در برگیرند. آیا این خودیکی از همل همده بحران استراتژی تنظیم 'مکتب کینز جدید' نیست؟ خود فرمول‌بندی اهداف محافظه‌کاری جدید بیانگر تلاش آن برای رهاساختن رشد و گسترش اقتصاد از حصار دخالت مغرطو به لحاظ ملی محدود دولت است: 'پوروکراسی‌زدایی'، 'تنظیم‌زدایی' مانند 'ملی‌زدایی' و 'فنان... حتی چنین فکری ابراز می‌شود که گویا محافظه‌کاران جدید می‌خواهند ایده 'زوال دولت' را تحقق ببخشند.

اگر چه بار سیاست اقتصادی محافظه‌کاران جدید بر دوش اقلیت محروم اهالی سنگینی هم می‌کند، این سیاست به طور هینی برگزیده نیازهای انقلاب تکنولوژیک سوار است. پاسخگویی به آن نیاز مادر شکل محافظه‌کارانه، پیش از همه برای آن محافظی از پوروژوازی انحصاری مفید است که با شرکت‌های بزرگ فراملی مربوطند و در تخفیف کنترل دولتی بر اقتصاد ذینفع هستند. اما با این وجود، این سیاست موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد و بخش قابل توجهی از طبقه کارگر و اقلیت میانی جامعه به لحاظ مادی کم و بیش از آن سود می‌برند (همدئا به زیان منافع دراز مدت طبقاتی که هنوز - از جمله به هلت فقدان آلترناتیو قانع‌کننده - درک نشده‌اند) و در انتخابات به محافظه‌کاران رای می‌دهند.

آرایش جدید نیروهای اجتماعی با وضوح کافی مشخص شده و در فرمول 'جامعه دوسوم' بازتاب یافته است. در ماهیت امر، سازشی از اکثریت شکل می‌گیرد که در آن به موازات آن اقلیت میانی که روحیه ضد دخالت دولت دارند، آن بخش از طبقه کارگر هم که نیازهای سنتی‌اش در بستر سیاست محافظه‌کاری جدید برآورده می‌شود، شرکت می‌کند. این امر بر پایه سطح امروزی تولید کاملاً امکان‌پذیر است. برخی از تئوریسین‌های پوروژوایی حتی از واقعی بودن تعیین حداقل درآمد تضمین شده برای تمامی اعضا جامعه مستقل از فعالیت کاری‌شان صحبت می‌کنند. در مورد نیاز به نظم عالی‌تر هم باید گفت که این نیاز هنوز از جانب طبقه کارگر درک نشده است و فعلا ثبات جامعه سرمایه‌داری را تهدید نمی‌کند. به علاوه بخش قابل توجهی از به اصطلاح کارگران جدید هم که خواست مقدم‌شان را رفاه مادی تشکیل نمی‌دهد به این سازش تمایل نشان می‌دهند. اما آنها در مدرنیزاسیون جاری تولید شیوه تثبیت خصلت خلاق کار را می‌بینند. بدین ترتیب به قول پزو و هسگر فرانسوی 'سوی'، موضع گسترده 'موافقت با مدرنیزاسیون' در حال شکل‌گیری است.

سرمایه‌داری با استفاده از ثمرات پیشرفت تکنولوژیک از رضایتی حاد اجتماعی در در میان اقلیت رنجبر - کارگران رشته‌ها و حرفه‌هایی که با پیشرفت فنی از دور خارج می‌شوند، بیکاران، جوانان بلا تکلیف، و مهاجرین - که تقریباً یک سوم اهالی قادر به کار ارتشکلی می‌دهند و موضع دفاعی دارند، مهار کرد. نارضایتی با سیستم خیره اجتماعی که در زمان محافظه‌کاران جدید هم حفظ می‌شود، مستهلک می‌گردد. نارضایتی قابل‌بانه به شکل اعتراض انقلابی، بلکه به صورت انفعال سیاسی، بی‌تفاوتی، هدم اطمینان و یا به صورت رشد روحیات ناسیونالیستی و شوونیستی تبارز می‌یابد که ارتجاع راست افراطی را تقویت می‌کند.

پشتیبانی توده‌ای از مشی محافظه‌کاری جدید تا اندازه قابل توجهی ناشی است از استفاده ماهرانه از نارضایتی اهالی نسبت به پوروکراسیسم دستگاه دولت و توسل به تحرک فردی و ارزش‌های اخلاقی سنتی در برابر فساد، رشوه‌خواری، لاپالایی‌گری، ابتذال فرهنگ توده‌ای و شیره. برخی گرایشات رشد آگاهی توده‌ای نیز محافظه‌کاری جدید را تغذیه می‌کند. دینامیسم فوق‌العاده بالای رشد و تکامل اجتماعی در دوره پس از جنگ و درهم شکستن سریع ساختارهای اقتصادی و اجتماعی که خود ناشی از همان دینامیسم بود در میان اقلیت وسیع اهالی جامعه سرمایه‌داری کششی ایجاد کرد به سوی ثبات و ارزش‌های سنتی مرآورده ساده انسانی، مرآوردهای هاری از بی‌هویتی پوروکراتیک. و این همه زمینه مساعدی را برای موفقیت هوم فریبی اجتماعی محافظه‌کاری جدید فراهم می‌آورد.

باید گفت که بخش محافظه‌کار پوروژوایی انحصاری فعلا ابتکار پیشبرد اصلاحات ساختاری اقتصاد را که راه انقلاب تکنولوژیک را هموار می‌کنند در دست دارد. جنبش کارگری و احزاب آن در حالت دفاعی منقل قرار دارند و فعلا از چشم‌انداز آلترناتیو مشخص بی‌بهره‌اند. استراتژی سوسیال-دمکراتیک کینسیسم به آن حالتی که در دوره پس از جنگ شکل گرفت امکانات خود را به پایان برده است. ایده پیشنهادی احزاب کمونیست یعنی دموکراسی ضدانحصاری هم کارایی ندارد. این ایده ناظر بر آن بود که نیروهای دمکراتیک در دولتی که سیاست تنظیم حیات اجتماعی - اقتصادی جامعه را پیش می‌برد مواضع کلیدی را تسخیر کنند. لیبرالیته و غیرملی کردن اقتصاد، زمینه‌این مولفه‌های استراتژیک را تخریب می‌کند. یکی از همل ظایعات جدی احزاب کارگری و 'بحران اهداف' که این احزاب از آن رنج می‌برند، در همین جا است.

کمونیست‌ها - و آن هم نه تمامی آنها - تازه دارند به درک تمام اهمیت و وظیفه تبیین نتایج انقلاب تکنولوژیک جاری نزدیک می‌شوند. 'کلیله‌آکه تو' دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا در گزارش خود در پلنوم ماه ژوئن کمیته مرکزی اظهار داشت: 'ما موظفیم روندهای عظیم بازسازی و مدرنیزاسیونی را که در سال‌های اخیر در جامعه ما جاری بوده است مورد ارزیابی قرار دهیم. باید نتایج و ضایعات این روندها و الزامات اداره



دمکراتیک آنها را درک کنیم و به تضادهای تعیین کننده جدیدی وقوف یابیم که فشار برای تحقق سیاست آلترناتیو واقعی که راهگشای آلترناتیو بر نامه‌ای دولتی است، باز می‌کند؟

مشکلات جنبش کارگری باتغییرات همیتی که در جریان انقلاب تکنولوژیک در ساختار طبقه کارگر به وجود آمده است و باتغییراتی در سیاست، نیازها و سمت گیری‌های ارزشی آن همراهی می‌شود، شدیدتر شده است. در کنار کارگران سنتی که عمدتاً با کار فیزیکی به طور بلاواسطه در روند تولید شرکت می‌کنند (شمار این کارگران پیوسته رو به کاهش می‌رود)، انتشار کارگری جدیدی پدیدار گشته‌اند که عمدتاً به کار فکری مشغول‌اند، با تکنولوژی‌های پیشرفته سروکار دارند و وظایف کنترل، هماهنگی و تنظیم را انجام می‌دهند. این انتشار به لحاظ تعداد، از کارگران سنتی کمتر هستند اما سریع رشد می‌کنند و مهم‌تر از همه آنکه هر چه آشکارتر به آن هسته طبقه کارگر تبدیل می‌شوند که با مرکز و هصب سیستم اقتصادی کنونی سرمایه‌داری مربوط است. با در نظر داشت چشم‌انداز انقلاب تکنولوژیک، این انتشار آینده طبقه کارگر را نمایانگر می‌کنند.

در این شرایط، احزابی سیاسی که اساساً متوجه پایه اجتماعی قدیمی جنبش کارگری هستند، ممکن است از میدان‌های اصلی مبارزه سیاسی دور افتاده، در مواضع حاشیه‌ای دفاع از منافع تنگ گروهی تنها یک بخش - اگرچه بخش اعظم - طبقه کارگر قرار گیرند. در این راه است که به آسانی می‌توان به دام کارگرزدگی گرفتار آمد، دامی که در آن وفاداری به مواضع طبقاتی پرولتاریا خصلتی بی‌جان و دکماتیک به خود می‌گیرد. اجزایی که می‌خواهند طبقه کارگر را امروز به مثابه طبقه‌ای نمایانگر کنند که ایفای نقش جهانی - تاریخی رهایی بشریت از استثمار و بیگانگی را بر عهده دارد، باید پرده کلیشه‌های منسوخ آیدولوژیک را از جلوی چشم کنار بزنند و واقعیت را همان گونه ببینند که هست. طبقه کارگر معاصر را با تمام گوناگونی آن و از جمله با آن خصایلی ببینند که در محیط کارگران جدید پرورده می‌شود، محیطی که در آن برای تدوین استراتژی مقابله با سرمایه‌داری معاصر تجربه اندوخته می‌شود.

انقلاب تکنولوژیک سرمایه‌داری را به حلقه‌ای بالاتر از حلزون تاریخ می‌رساند که مسایل اساسی و ریاری نیروهای اجتماعی سیاسی را به گونه‌ای نوین طرح کرده، مستلزم دیدی نوین از مسایل گذار به سوسیالیسم است و از احزاب انقلابی طبقه کارگر نیز یک استراتژی مناسب باین دید طلب می‌کند.

آشکار است که انقلاب تکنولوژیک تضادهای اساسی سرمایه‌داری را که در تحلیل نهایی ضرورت تحولات سوسیالیستی از آن ناشی می‌شوند بر طرف نکرده و نمی‌تواند هم بر طرف کند. سرمایه می‌کوشد نیروهای عظیمی را که خود در علم، طبیعت، و بافت و مرادده اجتماعی برانگیخته است به زور در چار چوب حصارهایی که برای حفظ آنها به مثابه ارزش ضروری است نگاه دارد. اما در مقایسه باین نیروهای اجتماعی، به قول مارکس، سرت زمان دیگران - پایه بسیار حقیری برای تولید اجتماعی است. این سرت به لحاظ تاریخی محکوم است. چرا که از تشکیل و یا ایجاد ثروت اجتماعی باز می‌ماند.

تحوالی که در نیروهای مولده آغاز شده است تضادهای سرمایه‌داری را به طور بلاواسطه در رشد و تکامل فرد اجتماعی باز تولید و متمرکز می‌کند. انقلاب تکنولوژیک با بیرون کشیدن کارکنان از روند تولید و با هر چه خلاق‌تر کردن کار آنها، رشد و تکامل همه جانبه فرد اجتماعی را طلب می‌کند و بیش از نیازهای بلاواسطه مادی، نیاز به نظم‌های عالی‌تر را به وجود می‌آورد. فعلاً تضادهای سرمایه‌داری در این بستر هنوز به آن حد از شدتی نرسیده‌اند که موجب حالتی بحرانی شوند - حالتی که خودگواه ضرورت تغییرات بنیادی است. از این رو سرمایه بزرگ فعلاً امکان آن را دارد که برای تخفیف حدت تضادهای اجتماعی - طبقاتی از دستاوردهای پیشرفت تکنولوژیک از طریق ارضای هر چه کامل‌تر نیازهای توده‌های دیروزین بخش قابل توجهی از اهالی، استفاده کند.

لیکن رسوخ پر دامنه علم و فن در روند تولید از طریق تکنولوژی‌های جدید به تغییراتی هر چه ژرف‌تر در سوبژکت تولید اجتماعی منجر می‌گردد. دیگر نه فلان طبقه یا تشر معین اجتماعی، بلکه به بیان مارکس 'مجموعه مرکب فعالیت اجتماعی' است که به مثابه مولد برآید می‌کند. هر صه فعالیت تولیدی که در گذشته قلمرو ویژه طبقه کارگر بود، گسترش می‌یابد و دیگر گروه‌هایی از کارکنان که زیر استثمار سرمایه بزرگ قرار دارند و به طور هینی در تحولات بنیادین اجتماعی ذینفع هستند به این هر صه کشیده می‌شوند.

نیازی حاد به کارکنان طراز نوین تولید اوج می‌گیرد - کارکنانی با تخصص بالا، حساس نسبت به کار، خوش‌قریمه، پرتحرک، و باحد بالایی از اختیارات. برای این کارکنان، شرایطی که فعالیت مبتکرانه و خلاق آنها را تأمین کند به مراتب بیش از پاداش در ازای کار اهمیت پیدا می‌کند. بر این پایه است که فرهنگ هلاقه همومی نسبت به ثروت‌های جهان و ثروت‌های مناسبات اجتماعی زاده میشود. در میان کارکنانی که با تکنولوژی‌های جدید سروکار دارند و با آن شئون معنوی که شامل 'مجموعه مرکب فعالیت اجتماعی' می‌شوند، ارتباط دارند عناصر فرهنگ نوین مناسبات متقابل اجتماعی پدید می‌آید و نیازهایی از قبیل نیازهای زیر شکل می‌گیرد: گرایش به آزادی‌های

دمکراتیک و مبانی خودگردانی، عدالت اجتماعی، هلاقه وافر به رشد شخصیت و اشکال ابراز هویت، تأمین شرایط برای فعالیت اجتماعی و حرکت ابتکار آمیز، و برخورداری زندگی از مضمون معنوی. به نظر می‌رسد مبارزه علیه سرمایه‌داری در حلقه جدید حلزون تاریخ بر همین پایه هم انکشاف خواهد یافت. به همین دلیل است که به نظر ما گنجاندن این ارزش‌ها در برنامه‌های سیاسی و پیوند دادن سیاسی آنها با وظایف مشخص گسترش تحولات دمکراتیک تائین اندازه حائز اهمیت است.

اتفاقی نیست که فعلاً بیش از آن که احزاب کارگری، این جنبش‌های دمکراتیک توده‌ای هستند که حامل ارزش‌های جدید می‌باشند، منافع انتشار اجتماعی جدید و انتشار جدید طبقه کارگر در این جنبش‌ها بازتاب می‌یابند. تبیین مارکسیستی این منافع و ارزش‌ها و پیوند دادن ارگانیک آنها با ارزش‌های سنتی جنبش کارگری در فعالیت، برنامه و استراتژی احزاب سیاسی طبقه کارگر اهمیت هر چه بیشتری کسب خواهد کرد. این امر راه فردا را به روی این احزاب خواهد گشود.

محافظه‌کاری جدید تقدیری اجتناب‌ناپذیر نیست. آنچه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، انقلاب تکنولوژیک است. اما این که این انقلاب در کدام شکل متحقق خواهد شد - در شکل محافظه‌کارانه یا در شکل دمکراتیک - به تناسب قوا و مبارزه نیروهای اجتماعی - طبقاتی بستگی دارد. تعاجم محافظه‌کاری جدید از آن جاست که طبقه کارگر و نیروهای دمکراتیک برای تحوالی که در رشد و تکامل تولید اجتماعی به طور هینی نضج یافته بود، آماده نبوندند. لیکن مشی محافظه‌کاری جدید سرشار از تضادهایی است غیر قابل حل. این مشی در هین آن که به تحول در نیروهای مولده مساعدت می‌کند، اما قادر نیست نیازهای دمکراتیک جامعه و فرد را که توسط خود این تحول و نیز توسط کل فضای جهان یکپارچه و متضاد ما ایجاد می‌شوند، برآورده سازد. حصار پاترنالسمی که این مشی می‌پرورد برای این کار بیش از اندازه تنگ است. ضدیت محافظه‌کاران با اتاتیسم^۳ نیز اجرای طرح‌های بزرگ اجتماعی - اقتصادی را بدون دخالت دولت ناممکن می‌سازد و این خود آنان را وامی‌دارد تا در پیشبرد سیاست اقتصادی حثیرقم نظریات خود به نیروی دولت متوسل شوند.

تضادهای محافظه‌کاری جدید زمینه را برای آلترناتیو دمکراتیک فراهم می‌آورد. اما این آلترناتیو به طور خودبه خود بدون نقش فعال عامل ذهنی استقرار نمی‌یابد. در برابر جنبش کارگری این وظیفه قد بر انراشته است که چنان گروه‌بندی جدیدی از نیروها به وجود آورد که به ایجاد اکثریت دمکراتیک بیانجامد، اکثریتی که قادر باشد بر پایه فعالیت اصلاح طلبانه در مقابله با محافظه‌کاری جدید متحد شود. بلوکی از نیروها لازم است که طبقه کارگر و اقشار میانی را که در مبارزه به خاطر شق دمکراتیک رشد سرمایه‌داری در قبال شق محافظه‌کارانه این رشد ذینفع هستند، در بر گیرد. این بلوک نیروهای متنوع دمکراتیک نمی‌تواند وحدتی یکدست یا شبیه جبهه خلق باشد، بلکه بیش از هر چیز همکاری منعطف و برابر حقوق احزاب، سازمان‌ها و جنبش‌های خودمختار و نامگون است که از طریق گفتگو، تماس، توافق، و اقدامات مشترک و موازی مادیت می‌یابد.

اکثریت دمکراتیک به برنامه‌ای اکثرناتیو در برابر محافظه‌کاری جدید نیاز دارد. این برنامه باید به اندازه کافی باز و منعطف باشد تا منافع متفرق طبقه کارگر معاصر و اقشار میانی یعنی اکثریت جامعه رادر خود ترکیب کند. برنامه اکثریت دمکراتیک باید بر شالوده واقعیت‌های حلقه جدید و تازه آغاز شده حلزون پیشرفت فنی و فرهنگی جامعه سرمایه‌داری بناشود. خطوط اصلی برنامه آلترناتیو دمکراتیک که می‌تواند به پلاتفرم همکاری نیروهای دمکراتیک در مبارزه علیه محافظه‌کاری جدید تبدیل شود، به تدریج ترسیم می‌شود.

این خطوط در وهله اول مطالباتی هستند که با تغییرات اجتماعی ژرف مربوط نیستند و می‌توان گفت در سطح زندگی اقتصادی قرار دارند. پیش از همه کاهش زمان کار ضمن حفظ دستمزدها امکان می‌دهد هواقب بیکاری ساختاری تخفیف یابد و زمانی برای تأمین کمال بیشتر خودپویی فرد آزاد گردد. ایجاد سیستم گسترده تجدید تخصص نیروی کار به حساب سرمایه بزرگ و بودجه دولت، از شمار این اقدامات به حساب می‌آید. این امر امکان خواهد داد که اشتغال کارگران آن حرفه‌هایی که در جریان پیشرفت علمی - فنی محکوم به فنا هستند، تأمین گردد. گسترش سیستم ضربه‌گیر (سوپاپ) های اجتماعی که قادرند ضایعات بازسازی ساختاری تولید اجتماعی را تخفیف دهند و وضعیت انتشار محرومی را تسهیل کنند که با انقلاب تکنولوژیک به حاشیه زندگی اجتماعی رانده می‌شوند، از اهمیت فراوان برخوردار است.

تغییر سمت هدفمند سرمایه‌گذاری به سوی هر صه زیر ساخت اجتماعی و معنوی یعنی به سوی فرهنگ، علم، هنر، استراحت، و حفظ محیط‌زیست، خواستی است که بسیار پیش‌تر می‌رود و روشن است که این تغییر جهت مستلزم چنان تحولات سیاسی خواهد بود که سرمایه بزرگ را وادار کند به هزینه‌هایی از نقطه نظر او غیر تولیدی گردن گذارد.

احتمالاً دمکراتیزه کردن اداره سرمایه سهام - سرمایه‌ای که چه در نتیجه خرید شخصی سهام و چه در نتیجه شکل گیری صندوق‌های اتحادیه‌ای، بیمه، سرمایه‌گذاری و غیره در دست زحمتکشان قرار دارد - نیز از مره این خواست‌ها به‌شمار می‌رود. صاحبان سهام در ایالات متحده

گرایش هینی بین المللی شدن تولید اجتماعی در تضاد قرار می گیرند. اکثر ناتویو دموکراتیک در چار چوب ملی نمی گنجد و ناگزیر از ورود به هر صه بین المللی است. اهمیت این امر به ویژه از آنجاست که روابط اقتصادی جهانی اکنون در سیستم های متضاد اجتماعی رسوخ می کنند و می روند تا سراسری شوند.

موقتیت و نفوذ محافظه کاری جدید نمودار آن است که اکثر ناتویو که قادر باشد اشکال دموکراتیک انکشاف انقلاب تکنولوژیک را تامین نماید تازه دارنده می شود. اما عوامل نیرومندی به سود این اکثر ناتویو عمل می کنند که امکان می دهد نسبت به آینده خوشبین باشیم.

اولاً؛ منطق هینی تضادهای سرمایه داری در حلقه جدید حلزون تاریخ مرکز ثقل تولید سرمایه اساسی را از وسایل بی جان تولید به فرد اجتماعی منتقل می کند. اتلاف بی پروای منابع انسانی تولید اجتماعی از جانب محافظه کاری جدید از این ضرورت دور می شود و هر چه نیرومندتر تحولات دموکراتیک را طلب می کند.

ثانیاً؛ روند آگاهی و احاطه طبقه کارگر نسبت به نیازهای جدیدی که برآورده ساختن آنها نیازمند دموکراتیزاسیون حیات اجتماعی از جمله در ادار و امور اقتصادی است به تدریج اما به طور برگشت ناپذیر جریان دارد.

ثالثاً؛ روندهای زیر اگر چه با تاخیر، اما آغاز شده است: نو سازی اشکال سیاسی جنبش کارگی، راهی این اشکال از دگماتیسیم و صلبیت و دموکراتیزاسیونی که گشادگی و توانایی این اشکال را برای جذب و ترکیب پلورالیسم منافع و نیات آن نیروهای اجتماعی گسترش می دهد که قادرند در برابر محافظه کاری جدید ایستادگی کنند.

این همه، دلایلی به دست می دهد که معتقد باشیم مبارزه در راه شکل دموکراتیک تحقق انقلابی که در نیروهای مولده آغاز شده است، اوج خواهد گرفت.

واقعبیت اکثر ناتویو دموکراتیک بار دیگر مساله ای را پیش می کشد که برای احزاب کمونیست دارای اهمیت حیاتی است - چشم انداز سوسیالیستی آخر، مبارزه در راه سوسیالیسم جوهر تمام فعالیت کمونیست هاست. به خاطر دستیابی به همین اهداف سوسیالیستی است که آنها به کرات نمونه هایی از قهرمانی و فداکاری نشان داده و می دهند. و آیا خود طرح مساله اکثر ناتویو دموکراتیک بر زمینه سرمایه داری به معنای آن نیست که چشم انداز سوسیالیستی تا آینده ای نامعلوم به تعویق می افتد و در واقعبیت های امروزین جامعه سرمایه داری پیشرفته کمونیست ها از فضای سیاسی برای ابراز اصالت خود به عنوان حزب کمونیست محروم می مانند؟

خیر! در شرایط انقلاب تکنولوژیک، واریانت دموکراتیک رشد سرمایه داری در برابر محافظه کاری جدید سوسیالیسم راه دور، که نزدیک می کند. میخائیل گارباچوف در سخنرانی خود در دیدار نمایندگان احزاب و جنبش ها در نوامبر سال ۱۹۸۷ خاطر نشان ساخت که: هیچ چیز نمی تواند این استنتاج را انکار کند که برای سرمایه داری اکثر ناتویو وجود دارد. و این اکثر ناتویو هم سوسیالیسم است. در ابعاد وسیع جهانی - تاریخی، همانا سوسیالیسم است که جانشین فرامسیون اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری می گردد، جانشین فرامسیونی که با رشد و تکامل خود نیاز هر چه حادثری به اشکال سوسیالیستی سازمان دهی جامعه را فراهم می آورد. در همین حال انقلاب تکنولوژیک که در شرایط سرمایه داری در حال وقوع است یادآور این حکم معروف مارکس است که هیچ فرامسیون تاریخی که امکانات خود را برای رشد و تکامل نیروهای مولده جامعه به پایان نرسانده باشد، جای خود را به فرامسیون دیگر نخواهد داد.

سرمایه داری مسلمانا امکانات خود را به پایان نبرده است. اما نتیجه ای که از این امر به دست می آید نه روگردانی از اهداف سوسیالیستی بلکه ضرورت بازبینی برخی تصورات ساده انگارانه و یک سوئی در مورد گذار جامعه بشری از سرمایه داری به سوسیالیسم و ضرورت کاربست پیگیر اصل تاریخ گرایی در ارزیابی از این رونداز جانب مارکسیست هاست.

برای نئین ورود سرمایه داری به مرحله رشد، انحصاری شاخص بلوغ هینی سیستم سرمایه داری برای گذار به سوسیالیسم بود. این هم نه استنتاجی تجربیدی، بلکه نتیجه تحلیل مارکسیستی اجتماعی شدن تولید به شیوه سرمایه داری از جانب انحصارات بود که امکان تنظیم اجتماعی این تولید را نیز فراهم می آورد. لیکن اکنون که فروش و فلیان انقلابی دوره های بحرانی نیمه اول قرن بیستم فرو نشسته است، به روشنی می بینیم که خود گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در ابعاد جهانی نمی توانسته است در آن دوره های تاریخی نسبتاً کوتاهی که مارکسیست ها روی آن حساب می کردند، عملی گردد.

در واقع حتی انقلابات بورژوایی که نسبت به انقلابات سوسیالیستی ابعاد و وظایف بسیار محدودتری هم داشتند چندین دهه تداوم می یافتند. انقلاب بورژوایی در فرانسه چند سیکل را پشت سر گذاشت و تقریباً یک صد سال به طول انجامید. از زاویه عوامل جهانی نیز انقلاب اجتماعی بورژوایی هم امروز نیز در کشورهای رو به رشد ادامه دارد و بر مضمون دوران معاصر اثر می گذارد و خود از آن تاثیر می پذیرد. اما در مورد انقلاب سوسیالیستی که خود شالوده هستی اجتماعی بشریت را دگرگون می کند، چه باید گفت؟ بی تردید این انقلاب مدت زمان تاریخی بسیار طولانی را در بر می گیرد که در طول آن خود شرایط گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم به گونه ای کیفی

آمریکا ۱۹ در صدهالی، در سوئد ۲۱ در صد و در بریتانیای کبیر شمار آنها بیش از شمار اعضای اتحادیه های صنفی است. صندوق های سهامی تحرک فراوانی از خود نشان می دهند. مطالعه و بررسی تجربه فعالیت صندوق های به اصطلاح سرمایه گذاری زحمتکشان در سال های هشتاد در کشور سوئد جالب توجه و حائز اهمیت است.

آیا رشد سهام داری و افزایش شمار صندوق هایی که توسط سازمان های کارگری کنترل می شوند پیش شرطهای گذار کمیت به کیفیت را فراهم نمی آورد؟ ممکن است لازم باشد مارکسیست ها به ارزیابی نقش سرمایه سهامی که در تصاحب و کنترل زحمتکشان باشد، رجوع کنند. شاید در این هر صه ایجاد امرهای تاثیر گذاری دموکراتیک بر سیاست سرمایه گذاری شرکت های بزرگ، امکان پذیر باشد. در این رابطه جا دارد یادآوری کنیم که بنیان گذاران مارکسیسم انجمن های سهامی را به مثابه القای سرمایه داری در چار چوب شیوه تولید سرمایه داری تعریف می کردند.

ایده گسترش وسیع تعاونی به مثابه شکل دموکراتیکی از سازمان تولید که بیشترین نزدیکی را با کار تولیدکنندگان آزاد و متحد داراست - این ایده امروز در جنبش کارگری مطرح می شود. شایسته توجه دقیق است. مسئله امکان تعاونی های فراملی مصرف و تولید باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

تدابیری نیز که متوجه رفع حالت بحرانی تمدن هستند، رنگ سیاسی به خود می گیرند. این تدابیر عبارتند از: بقاء غیر نظامی کردن اقتصاد، خلع سلاح، تغییر خط تولید نظامی و تخصیص وجوه حاصله برای حل مسایل حاد گلوبال و ایجاد پیش شرطهای نظم نوین اقتصادی جهانی که اشکال نو استعماری استعمار کشورهای روبه رشد را بر طرف می سازد و انتخاب آزادانه راه رشد را برای هر یک از کشورهای تامین می نماید.

دموکراتیزه کردن مناسبات اقتصادی از طریق گسترش شرکت زحمتکشان و سازمانهای آنان در تصمیم گیری و مدیریت در سطح موسسات و شرکت های بزرگ، محدود کردن دخالت بوروکراتیک دولت در زندگی اقتصادی و در همین حال ارتقای نقش آن در تعیین چار چوب های همومی سیاست اقتصادی و اجتماعی با در نظر داشت منافع تمام اقشار جامعه، در دستور روز قرار دارد. برای بی اعتبار ساختن محافظه کاری جدید که از ضدیت خود با دخالت دولت بهره برداری می کند، باید سیستم دموکراتیک و فراگیر خودگردانی اجتماعی را گسترش داد، سیستمی که در تنظیم روندهای تولیدی و اجتماعی قادر است آن وظایفی را بر عهده گیرد که دولت 'رفاه' در اثر تمرکز بوروکراتیک خود که ابتکار کار فرمایان را به بندمی کشید از انجام آن مانع مانده بود. این امر چشم انداز دموکراتیزاسیون جامعه را می گشاید، اما نه از راه امتناع آنا رشیستی از دولت که نیروهای دموکراتیک برای انجام تحولات ترقی خواهانه به آن نیاز دارند، بلکه از طریق تلفیق مکانیسم های مبتنی بر خودگردانی با مکانیسم های دولتی در تنظیم حیات اجتماعی البته استقرار چنین 'دموکراسی اقتصادی' گسترده ای بدون تحکیم مواضع نیروهای چپ در سیستم سیاسی جامعه، در تمامی سطوح از پایین تا بالا، امکان پذیر نیست.

صفت ممیزه بر نامه اکثر ناتویو در آن است که ارزش های معنوی تمدن بشری را در صدر قرار می دهد. این ارزش ها قادرند آن اقشاری را به مبارزه سیاسی جلب کنند که به تلاش صرف در جهت بضا هت مادی قانع نیستند. این ارزش ها از جمله عبارتند از: حرمت شخصیت، شیوه به لحاظ معنوی سز شاز زندگی، پربازی اخلاقی مناسبات انسانی، گرایش به ابراز هویت و شمارکت در حل و فصل مسایل زندگی دولتی و اجتماعی، رشد گسترش خودگردانی.

اکثر ناتویو دموکراتیک وجوهی بین المللی خود را نیز داراست. پاسخ به محافظه کاری جدید در رشد اقتصاد نمی تواند بر نفی ساده شرکت های بزرگ فراملی استوار شود. در پس فعالیت این شرکت های فراملی، گرایش نیرو مند بین المللی شدن تولید خوانیده است. دولت های ملی را در برابر این گرایش یاری ایستادن نیست. ملی کردن در رابطه با انحصارات فراملی اولاد غیر موثر و ثانیاً، زیان آور است، چرا که بافت زنده روابط اقتصادی جهانی و تعاون روبه تمهیق اقتصادهای ملی را به طور مکانیکی از هم می برد.

یکپارچگی و ایستگی متقابل اقتصاد جهانی سرمایه داری در حکم آن است که اکثر ناتویو دموکراتیک باید مفهوم رسوخ متقابل بین المللی و همکاری اقتصادهای ملی، و نیز همکاری بین المللی نیروهای چپ را که قادرند سیستم کنترل دموکراتیکی بر تولید اجتماعی ایجاد کنند که عوامل ملی، منطقه ای و جهانی را در برگیرد، در خود جای دهد.

جنبش کارگری در این زمینه بسیار عقب است. این جنبش در برابر تضادی قرار گرفته است: بین المللی کردن اقتصاد به مشخصه ماهوی سرمایه داری تبدیل ده است، در حالی که جنبش کارگری - زمینه تاریخی همبستگی بین المللی کار - هنوز در چار چوب پلاتفرم های ملی مبارزه حرکت می کند. در چار چوب ملی پاسخ گویی کامل به نیازهای انقلاب تکنولوژیک که خصنت فراملی دار، امکان پذیر نیست. پرداختن به عوامل بین المللی میدان مانور سیاسی نیروهای چپ و دموکراتیک را در روی مرزهای ملی گسترش داده، به آنان امکان می دهد همکاری گسترده بین المللی را برقرار نمایند. بدین ترتیب این نیروها خواهند توانست بر ضعف خود فلبه کنند و این ضعف در آن است که می گویند با ابراز سیاست ملی با مشی محافظه کاری مقابله نمایند و با

تغییر می کند.

با نگاهی به گذشته به آسانی می توان دید که خود سرمایه داری انحصاری مراحل گوناگونی از رشد و تکامل را طی می کند که در هر یک از آنها امکانات و اشکال گذار به سویالیسم به گونه ای دیگرند. سرمایه داری آغاز قرن را از این زاویه می توان سرمایه داری انحصاری اولیه دانست که خود پیدایش آن تصولاتی را در سیستم جهانی سرمایه داری موجب گردید که قانون های تشنج و نضج گیری و وضعیت انقلابی را در وهله اول در خود حلقه های پیشرفته این سیستم - که در آنجا سرمایه داری از منابع قابل توجهی برای ادامه حیات برخوردار بود - به وجود نمی آورد.

بر خلاف نظریه پردازان انترناسیونال دوم که منتظر زمانی بودند که تمام سیستم به بالاترین نقطه بلوغ خود برسد، لنین با تیزبینی نبوغ آمیزی امکان گسست سیستم سرمایه داری در یک یا چند کشور جداگانه را تشخیص داد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت نخستین گسست را ایجاد کرد و راستای جدید تاریخی جهانی را گشود. اهمیت تاریخی این انقلاب از چارچوب آن شرایط مشخصی که این انقلاب در آن صورت گرفته بود بسیار فراتر است. اما از نقطه نظر رشد و تکامل درونی، انقلاب اکتبر مدلی از گذار به سویالیسم بود که با شرایط سرمایه داری انحصاری اولیه انطباق داشت. رشد نایافتگی نسبی اجتماعی - اقتصادی کشوری که در سیستم گسست ایجاد کرده بود، با نیروی حاکمیت دولتی طبقه کارگر و نقش ویژه این حاکمیت در ایجاد زیر بنای اقتصادی و در تنظیم و بازسازی مناسبات اجتماعی طبقاتی و ملی جبران می گردید. به لحاظ بین المللی امکان همزیستی مسالمت آمیز با سیستم سرمایه داری فراهم می آمد و همزیستی مسالمت آمیز به مثابه چنان همکاری ای بود که نه تنها بر رویارویی، بلکه همچنین بر رشد و تکامل روابط اقتصادی و فرهنگی که برای ورود سوسیالیسم به مسیر پیشرفت هلمتی فنی و مهنی ضروری بود، دلالت می کرد.

لیکن پس از مرگ لنین تجربه اولین گسست نه به عنوان مدل دوره آغازین از روند تاریخی طولانی که همان گونه که امروز روشن است چندین و چند دهه را در بر می گیرد، بلکه به عنوان مدل همومی و هومی پذیرفته شد که با تغییرات مهنی برای تمام کشورها کاربرد دارد. این تصورات دکماتیزه شده ما را نه به سوی مطالعه تکامل تاریخی جامعه سرمایه داری در دوران معاصر، که به سوی انتظار دایمی فروپاشی آن سوق می دادند. این تصورات توجیه گر منطقی تقابل قهلبی دو سیستم اجتماعی بودند و در ماهیت امر راه همکاری سازنده آنها را سد میکردند.

تاریخ دانان ما هنوز باید امکانات از دست رفته و هواقب منفی کاربست شماهای ساده انگارانه و غیر تاریخی برای سوسیالیسم و جنبش کمونیستی را برآورد نمایند. امروز باید تاکید نمود که با ورود سرمایه داری به حلقه های جدید از حلقه ها، عدم انطباق این شماها با واقعیت توی چشم می زند. سرمایه داری انحصاری متاخر که با انقلاب تکنولوژیک مرتبط است نظرات تئوریک دیگری در باره گذار به سویالیسم را طلب می کند. احتمالاً، مدل گذار نه گسست، بلکه فلبه دیالکتیکی بر سرمایه داری بر آن پایه فنی اقتصادی است که اکنون در نتیجه نضج یابی ارگانیک عناصر و پیش شرطهای مناسبات اجتماعی سوسیالیستی، ایجاد می شود. برای توصیف چنین مدلی از انقلاب اجتماعی واژه هگلی به معنای 'رفع' (aufheben) کاملاً مصداق دارد که معنای حذف، حفظ و ارتقاء در خود تلفیق می کند.

در این مدل، آلترناتیو دمکراتیک با چشم انداز مارش طولانی به سوی سوسیالیسم از طریق رشد و تکامل جهانی اشکال دمکراتیک همگردد سرمایه داری انطباق دارد. سوسیالیسم در نتیجه رشد و تکامل تدریجی سازمان خودگردان زمتکشان یعنی زیر ساخت مستمک حکومتی از طراز سوسیالیستی فرجام این راه خواهد بود. این نظرات با این ایده مارکس که در 'یادداشت های اقتصادی' بیان شده است انطباق دارد که: 'همانگونه که سیستم اقتصاد سرمایه داری در برابر ما تنها گام به گام انکشاف می یابد، در رابطه با فنی خود نیز که نتیجه نهایی این اقتصاد است وضع به همین منوال خواهد بود' (ک. مارکس و ف. انگلس، مجموعه آثار، جلد ۴۴، بخش دوم، صفحه ۲۲۲).

تجربه تاریخی دوران معاصر امکان می دهد چنین نتیجه بگیریم که سوسیالیسم نضج یافته بر شالوده مکانیسم بسیار پیشرفته خودتنظیمی اقتصاد زاده می شود که این خود در بطن سیستم مناسبات پیشرفته کالاپولی شکل می گیرد. در کشور ما انقلاب سیاسی بر این امر پیشی گرفت. موافق اندیشه لنین، مکانیسم خودتنظیمی اقتصاد و سیستم حاکمیت خلق می بایست تحت کنترل دولت سوسیالیستی شکل می گرفتند. ناخنکاری هایی که استالین در سوسیالیسم وارد کرد انجام این وظیفه را مانع شدند. اما امروز این امر به خواست موکد نو سازی تبدیل شده است. در کشورهای پیشرفته سرمایه داری این مکانیسم در خصایل اصلی خود در اهماق سرمایه داری انحصاری متاخر شکل می گیرد. این امر نیز امکان پیشروی به سوی سوسیالیسم از طریق آلترناتیو دمکراتیک را فراهم می سازد.

بازسازی و نو سازی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در تدوین و سمت دهی سوسیالیستی آلترناتیو دمکراتیک اهمیت فراوان دارد. جذایبت ایده آل سوسیالیستی و تثبیت آن در طرح آلترناتیو دمکراتیک به موقعیت این کشورها بستگی دارد. زمانی که شربخشی اقتصاد، کنترل دمکراتیک جامعه بر حرکت اقتصاد، خودگردانی و هدالت اجتماعی در نتیجه بازسازی و نو سازی تامین شوند، آنگاه سوسیالیسم

به مثابه شکل مناسب انقلاب رویه گسترش تکنولوژیک در برابر تمام جهان قد بر خواهد افراشت و مبارزه در راه سوسیالیسم تپش نیرومند نوینی پدید خواهد کرد.

آیا آلترناتیو دمکراتیک که در وهله اول به طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری پیشرفته ارتباط دارد، از زمره مسایل خاص منطقه ای به شما نمی آید؟ آخر جنبش رهایی بخش که در کشورهای رو به رشد انکشاف می یابد و این کشورها هم اکثریتی از بشریت را در خود گرد آورده اند که بار هقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی، و بار ستم و نابرابری را به دوش می کشند. پسر ظاهراً خلق های این کشورها با آلترناتیو دمکراتیک محافظه کاری جدی نمی توانند سروکار داشته باشند.

لیکن موضوع اینگونه نیست. تجربه جنبشها و انقلابات اجتماعی در کشورهای رو به رشد اکیدا اثبات می کند که انتخاب آزادانه راه خود ویژه رشد و تدوین و اجرای برنامه های اقتصادی تحولات انقلابی از جانب این خلق هامتکی است بر ضرورت بازسازی بنیادی نظم اقتصادی و سیاسی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته که پیش شرط ضروری این دگرگونی ها نیز کنار زدن نیروهای محافظه کاری جدید از مواضع کلیدی قدرت و نفوذ است. آلترناتیو دمکراتیک در خدمت رشد و تکامل ترقی خواهانه کشورهای رو به رشد قرار دارد.

البته این امر به معنای آن نیست که مبارزه نیروهای رهایی بخش کشورهای جهان سوم، تا زمانی که آلترناتیو دمکراتیک در مراکز همده سیستم سرمایه داری متحقق نشده است، بی فایده است. این مبارزه ای است اجتناب ناپذیر و هادلان. اما شربخشی این مبارزه منوط به آن خواهد بود که نیروهای ترقی خواه کشورهای رو به رشد بتوانند در برابر برداشت ها و برنامه های افراطی و تاضلی ایستادگی کنند و موفق شوند تا آلترناتیو دمکراتیک متناسب با منافع ملی خود را در برابر مشی جهانی محافظه کاری جدید که این کشورها را به شبکه وابستگی استعماری می کشاند، پیداکند جستجو در این راستا، راه همبستگی مبارزه رهایی بخش خلق های کشورهای رو به رشد با جنبش کارگری در قلمرو سرمایه داری پیشرفته را می کشاید.

آلترناتیو دمکراتیک، یعنی تهیه و تدوین و جامه همل پوشاندن به آن، میدان همکاری و گفتگوی سازنده ای است که بار دیگر در برابر کمونیست ها و سوسیال دمکرات ها گشوده شده است. هر دو جریان جنبش کارگری دشمن مشترکی دارند که آن هم ارتجاع محافظه کار است. این دو جریان در راه یک چشم انداز نزدیک واحد مبارزه می کنند - شق دمکراتیک رشد سرمایه داری. البته مشکلات ناشی از اختلاف نظرهای همیق ایدئولوژیک در درک اهداف و چشم اندازهای دورتر و وسایل دستیابی به آنها، اجتناب ناپذیرند. اما در این زمینه نیز در جریان متحقق ساختن آلترناتیو دمکراتیک، امکان نزدیکی وجود دارد. گسترش انقلاب تکنولوژیک در اشکال دمکراتیک به احتمال قوی زمینه را برای چنان شیوه هایی از تصحیح دگرگونی های سوسیالیستی فراهم خواهد آورد که با نظرات امروزین هم کمپونیست ها و هم سوسیال دمکرات ها متفاوت خواهد بود. بعید نیست که تحقق امکانات فلبه ارگانیک بر سرمایه داری و 'رفع' دیالکتیکی آن برپایه ای که خود او در جریان انقلاب تکنولوژیک فراهم می آورد، چنان اشکالی از بازسازی جامعه و چنان اشکالی از فعالیت تاریخی نیروهای سیاسی پیشرو به وجود آورد که بسیاری از اختلاف نظرهایی که جنبش کارگری را تقسیم می کنند، از میان بروند.

برای تدوین استراتژی آلترناتیو دمکراتیک باید در جهت تبیین واقعیت های غیر مهمل و رفع شماها و تصورات و الگوهای کهنه تفکر، کار زیادی انجام داد. ضرورت مهنی تحولات همیق دمکراتیک در سیستم سرمایه داری که از انقلاب تکنولوژیک نشات می گیرد هنوز از جانب طبقه کارگر و دیگر نیروهای اجتماعی توده ای درک نشده است. در پس فرمول متداول ژرفش مستمر بحران همومی سرمایه داری که با دلایل سنتی مستدل شده است هنوز مساله اصلی در سایه قرار دارد: تبیین ویژگی ها، گرایشات و تضادهای جامعه سرمایه داری در شرایط انقلاب تکنولوژیک و تهیه و تدوین مفهوم تئوریک و استراتژی آلترناتیو دمکراتیک که نقطه چشم انداز دراز مدت تر احیای آلترناتیو سوسیالیستی را شاید در چنان اشکالی که برای هر دو جریان جنبش کارگری قابل قبول خواهند بود، در بطن خود دارد.

مسایلی که در این رابطه در برابر طبقه کارگر و احزاب آن در کشورهای سرمایه داری قرار می گیرند نو سازی تمام فرهنگ سیاسی جنبش کارگری و دستیابی به برخی نظرات جدید درباره مبارزه اجتماعی - طبقاتی و درباره مضمون و چشم انداز پیشرفت جهانی را طلب می کنند. برای این فراخوان زمان، پاسخی سریع را نمی توان انتظار داشت. به نظر می رسد طبقه کارگر پیش از آن که از حالت دفاعی به حالت تهاجمی گذر کند دوره ای طولانی در پیش دارد - گرد آوری نیرو و کسب تجربه مبارزه در شرایط تغییر شکل سرمایه داری تحت تاثیر واقعیت های عصر هست - فضا و تحول انقلابی در نیروهای مولده. امید بستن به این که تاریخ خودش مسایل بفرنج را حل کند، در سنت مارکسیستها نیست. این ابتکارات شجاعانه، هم کاوش نوآورانه و هم کار تئوریک فشرده - هم است آنچه که بدان نیاز داریم. و این که برهه زمانی تا پایان قرن چگونه سپری خواهد شد و چه نتیجه گیری ها و چه استنتاجاتی در تئوری و سیاست به همل خواهد آمد آن چیزی است که سر نوشت جنبش کمونیستی و کارگری را رقم خواهد زد.

تشکیل دولت مستقل فلسطین

روز ۲۴ آبان، اجلاس فوق العاده شورای ملی فلسطین در الجزیره با محوریت سیاسی بنیاد فلسطین و اعلامیه تشکیل کشور مستقل فلسطینی در سرزمینهای اشغالی، غلبه روادارن و نوار غزه، با بیان فلسطین، تصمیمات اتخاذ شده در این اجلاس مهم، حاوی سیاستی جدید و نشان دهنده تغییرات و تعطیلات سازمان آزادیبخش فلسطین برای دستیابی به بلطی با ییادار و تحقیق آرمای فلسطینیان است.

این گردهم آیی که به درستی "گردهم آیی صلح" نام گرفت، با توجه به اوضاع و احوال منطقه عربی خاور میانه از اهمیت خاص برخوردار است. اجلاس فوق العاده شورای ملی فلسطین در الجزیره که از مدتها پیش توسط "ساف" تدارک می شد، در حالی برپا گردید که از قیام توده های خلق فلسطینیان در سرزمین های اشغالی، ما هم می گذرد. قیامی که هم به لحاظ وسعت و اهمیت به لحاظ شعرا و خواست های شرکت کنندگان آن بی سابقه بوده است. میسارزه توده های فلسطینیان ساکن سرزمین های اشغالی یک بار دیگر حل و فصل عادلانه مسئله فلسطین را به عنوان یکی از مسائل مبرم و حاد منطقه مطرح ساخت و نیروهای صلح دوست و ترقی خواه جهان را به حمایت گسترده تر از آرمای فلسطینیان واداشت. اتحاد عمل و وحدت صفوف "ساف" را تحکیم کرد. خط بلطان بر طرح ها و راه عملی های امریکایی حل و فصل مسئله فلسطین کشید و در صفوف صهیونیست ها، تفرقه و چند دستگی را بیشتر نمود.

تداوم مقاومت و مبارزه توده های فلسطینی در سرزمین های اشغالی تحت رهبری "ساف" نشان دهنده آن است که سازمان آزادیبخش فلسطین از نفوذ توده ای وسیع در بین فلسطینیان و قسما بدرت سازمان گری قابل تکیده برخوردار است. ایسن از برپا ریدگره نقش سازمان آزادیبخش فلسطین به مناسبت تنها تماند ها قنونی مردم فلسطین مهترتا یید گذارده و زمینه را برای تشکیل کنفدراسیون بین المللی صلح خاور میانه که در آن ساف به طور متساوی و اعلی با سایر برطرف های درگیر شرکت جوید، فراهم تر نمود.

تشکیل اجلاس سران عرب در خرداد ماه سال جاری در الجزیره که مهم ترین هدف خود را "تسلط و کمک به فلسطینیان برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی که با بدیبت الحقدی با یخت آن باشد"، قرار داده بود به سرپرستی فلسطینیان در مناطق اشغالی، ضرورت حمایت سیاسی فعال و تماند نیارهای مالی و غیرمالی از آنها بروداخواست، از روی داده های مهم این دوره بود. مصوبات اجلاس سران عرب در الجزیره نقش مهمی در تدارک سیاسی اجلاس اخیر شورای ملی فلسطین داشت. سران عرب در اجلاس فوق مواضع صریح و هماهنگ خود را در رابطه با ضرورت تشکیل کنفدراسیون بین المللی صلح و فصل مسئله فلسطین که در آن ساف به مناسبت تنها تماند ها قنونی مردم فلسطین و متساوی الحقوق با سایر برطرف های درگیر شرکت نماید، اعلام داشتند. سران عرب همچنین بر ضرورت تشکیل دولت مستقل فلسطین در سرزمین های اشغالی تاکید کردند و عملا طرح های امریکایی و تلاش های بعثتی از کشورهای عربی از جمله حکومت اردن برای ایجاد فدراسیون اردنی - فلسطینی و شرکت فلسطینیان در هرگونه گفت و شنود صلح درگاه در تماند ها قنونی اردن را مردود شمردند. اجلاس امریکا را به خاطر حمایت یک جانبه از اسرائیل محکوم کردند و میسار کمک های مادی و معنوی برای ساف به منظور پیش برد مبارزه عادلانه خویش را مردودتاییدتسارار داد.

تصمیمات مهمی ساف به سران عرب که بر بستر اوضاع و احوال ویژه موجود در منطقه اتخاذ شدند، پیروزی سیاسی مهمی برای مبارزه مردم فلسطین و سازمان آزادیبخش فلسطین بود و آن را یک گام دیگر به تشکیل کشور مستقل فلسطینی نزدیک تر نمود.

چندی پیش از این رویداد مهم، حکومت اردن اعلام داشت که کلیه روابط اداری و حقوقی خود را با مناطق اشغالی غرب رود اردن قطع کند. مسک حسین طی اشغال غیرمنتظره ای اظهار داشت که ساف قطع رابطه با غرب رود اردن بنا به تمایل "ساف" صورت میگیرد. وی گفت "ساف" این مسئله را شنا سایی "ساف" به عنوان تنها نماینده قنونی مردم فلسطین در الجزیره، مورد تأیید سران عرب قرار گرفته است. تصمیم حکومت اردن مسئولیت حل و فصل مسائل فلسطینیان ساکن سرزمین های اشغالی را بر عهده خود بردارد و از جنگ سال ۱۹۶۷ و اشغال این مناطق توسط اسرائیل به عهده اردن بود، به سازمان آزادیبخش فلسطین واگذار نمود. این تحول ضربه ای جدی به طرح امریتالیسی تشکیل کنفدراسیون اردنی - فلسطینی، بدان خود مختاری محدود به فلسطینیان و حضور هیئت نمایندگانی اردنی - فلسطینی در هرگونه مذاکرات مربوط به

صلح خاور میانه، وارد کرد و آخرین موانع را از سر راه "ساف" برای اعلام تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی برداشت.

تداوم توده ای فلسطینیان در سرزمین های اشغالی و سایر تحولات سیاسی منطقه، در رابطه با مسئله فلسطین، نشانه ها و درگیریهای میان جناح های عده در حکومت اسرائیل را افزایش داد. حزب کارگزاران اسرائیل به رهبری شیمون پرزلیه با سده انضام متعلق اشغالی غرب رود اردن به اسرائیل که توسط بلوک لیکود به رهبری اسحاق رابین مطرح و تبلیغ می شود، به مخالفت برخاست و تشکیل کنفدراسیون بین المللی صلح خاور میانه برای یافتن راه حل سیاسی جهت حل و فصل اختلافات اعراب و اسرائیل را مورد تأیید قرار داد.

تغییرات ایجاد شده در اوضاع بین المللی و روابط شرق و غرب که به با یکتا صلح دوستی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی پدیدار گشته و حل و فصل مسالمت آمیز درگیری های منطقه ای را در دستور قرار داده است، همچنین حمایت بین المللی نیروهای ترقی خواه و صلح دوست و افکار عمومی مردم جهان از قیام مومبارزه مردم فلسطینیان در سرزمین های اشغالی و محکوم کردن جنایت های صهیونیست ها در سرکوب فاشیستی آنها، همگی با اعتبار آن شدتاً حکومت ریگان تشکیل اجلاس بین المللی صلح در خاور میانه را بیدار کرد و زیادت جریانات راست افراطی در دولت اسرائیل اظهار ناراضگی کردند.

اجلاس فوق العاده شورای ملی فلسطینیان در الجزیره، در چنین اوضاع و احوالی تدارک شده و برپا گردید. اجلاس دستوراً ملی کار خود را بحث پیرامون تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در سرزمین های اشغالی غرب رود اردن و نوار غزه و اتخاذ تصمیمات سیاسی مهم برای راهگشایی تحقق این هدف قرار داده بود. شورایی از ۴ روز بحث و مذاکره، با انتقاد اعلامیه استقلال، تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی در سرزمین های اشغالی فسربرد، رود اردن و نوار غزه، که با یخت آن بیت المقدس است را اعلام داشت.

شورای ملی فلسطین همچنین با انتشار یک بیانیه سیاسی مهم خط مشی ویرانه سیاسی جدید "ساف" را تعیین کرد. در این بیانیه آمده است که: "آرمای آزادیبخش فلسطین از برپا یخت کنفدراسیون بین المللی صلح بر اساس قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل متحد حمایت میکند. این قطعنامه ها با یکتا برخطمانه ما های که حق تعیین سرنوشت فلسطینیان را به رسمیت می نماند، همزمان اجرا گردد".

این اولین بار است که سازمان آزادیبخش فلسطین صریحاً قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد را می پذیرد. این قطعنامه که پس از جنگ فلسطینی و زوره اسرائیل علیه اعراب در سال ۱۹۶۷ صادر شد، اسرائیل را ملزم می سازد که تمام نیروهای نظامی خود را از سرزمین های اشغالی خارج کند. در قطعنامه هم مورد بحث، همچنین تصریح شده است که هر یک از کشورهای منطقه حق دارند در مرزهای امن زندگی کنند، و بدین سان موجودیت اسرائیل به رسمیت شناخته شده و ادعیه صلح در مقابل زمین، در آن تصریح گردیده است. در قطعنامه ۲۴۲ حق وطن برای فلسطینیان و تشکیل کشور مستقل فلسطینی سکوت گذارده شده و تنها به حل و فصل عادلانه مسئله و آوارگان فلسطینی اشاره رفته است. به این خاطر است که شورای ملی فلسطینیان در بیانیه سیاسی خود خاطر نشان می سازد که بدین عرض قطعنامه ۲۴۲ به عنوان بار چوب بین المللی صلح و فصل مسئله فلسطین با یکتا برخطمانه های سازمان ملل متحد از جمله قطعنامه ۳۳۸ که در آن همزیستی دو کشور فلسطین و اسرائیل به رسمیت شناخته شده و با یکتا برخطمانه های که در آن حق وطن تعیین سرنوشت فلسطینیان را بیدار کرده است، همراه باشد.

بیانیه سیاسی، نظام آینه در کشور مستقل فلسطین را نظامی دمکراتیک اعلام داشت که در آن همه آزادی های فردی و اجتماعی مردم، از جمله آزادی دین و مذهب به رسمیت شناخته می شود. بیانیه اشاره می کند که کشور جدید فلسطین کشور صلح و بیرو اصل عدم تبعیض است. در این بیانیه تروریسم محکوم شده و هر قیام مردم فلسطینی برای مبارزه مسلحانه در جهت برحق میهن خویش، و برحق فلسطینیان در دفاع از خود در مقابل تعرض صهیونیست ها تایید شده است. با اعلام کشور مستقل فلسطین توسط اجلاس فوق العاده شورای ملی فلسطین، طرح های امریکایی کنفدراسیون اردنی - فلسطینی به تاریخ سپرده شد. مصوبات اجلاس و به ویژه پذیرش قطعنامه ۳۳۸ توسط ساف، حمایتان اسرائیل از جمله امریکای اردن موقعیت دشوار قرار خواهد داد. این امر، امریکای اردن را از امانده سیاست حمایت یک جانبه از اسرائیل که یکی از مهم ترین دستاوردهای آن در سیاست توسط اسرائیل و توسل آن کشور به خشونت و جنگ است را دشوار تر خواهد کرد. از این پس کشورهای امریکایی و از جمله امریکای می توانستند سازمان آزادیبخش فلسطینیان را به نمایندگی

سازمان سیاسی و نماینده واقعی و برحق مردم فلسطین موردی توجیهی قرار دهند. جهان عرب نیز به طور یک باره از چوب کلی تصمیمات اجلاس شورای ملی فلسطین حمایت کرد. بسیاری از کشورهای جهان تاکنون کشور مستقل فلسطین را به رسمیت شناخته اند. دبیرکل جامعه عرب، اجلاس شورای "نقطه عطف برای دستیابی به صلح" خواند. اکنون زمینه های مناسب با جهت بیشتری برای حمایت یک جانبه و گسترده کشورهای عربی از آرمای فلسطینیان فراهم شده است.

تشکیل کشور مستقل فلسطینی به نوبه خود تا ثیرات جدی و مهمی بر مبارزه و قیام فلسطینیان در سرزمین های اشغالی برجای خواهد گذاشت. این مسأله از هم اکنون حکومت اسرائیل را به وحشت انداخته است.

تصمیمات اجلاس نوزدهم شورای ملی فلسطینیان در مجموع با واکنش سرد اما فل گوناگون اسرائیل مواجه گردید. نیروهای موسوم به صیاحون در خیابان ممویات شورا را منعطف تر از پیش اما تا کانسسی ارزیابی کردند. بلوک صهیونیستی لیکود، به رهبری اسحاق رابین که پیش از آنجا تا اخیر اسرائیل کوئیدتا را است ترین و افراطی ترین احزاب و جریانات مذهبی اسرائیل کابینه ائتلافی تشکیل دهد، بار دیگر شکست خورده است. مسأله های جنگ طلبانه و نژاد پرستانه خودتایید کرد. لیکود که اکنون بیش از هر زمان به راست گرایش یافته است، هنوز تا بخردانه بر سیاست های ارتجاعی و غیر صلح و اقلی کوئیدتا را بر انضام سرزمین های اشغالی به خاک اسرائیل و عدم پذیرش ساف به مناسبت تنها تماند ها قنونی مردم فلسطین با فشاری می کند و به سرکوب فاشیستی مبارزه توده ای مردم فلسطین ادامه می دهد. این امر اعتراض با زهم بیشتر نیروهای صلح دوست و ترقی خواه اسرائیل را برانگیخته است و صهیونیست ها را منوریز کرده، تضادهای درونی و هیات ها که اسرائیل را شدت خواهد داد، منسوخ و وسعت مبارزه و مقاومت توده ای در سرزمین های اشغالی اسرائیل را افزایش خواهد بخشید.

مشئ جدید سازمان آزادیبخش فلسطین که در واقع کلیت آن مبتنی بر پذیرش وجود دو کشور فلسطین و اسرائیل در کنار هم پذیرش اصل همزیستی مسالمت آمیز آنها، پذیرش مرزهای امن برای اسرائیل و تأکید بر حل و فصل سیاسی مسأله فلسطین است، متسلسلی و نشان تعطیلات از موضع قدرت و هویشاری سیاسی رهبری "ساف" با توجه به اوضاع سیاسی منطقه و جهان است. این امر زمینه را برای حل سیاسی مسئله فلسطین با تشکیل اجلاس بین المللی صلح خاور میانه فراهم می کند و بیان کننده صلح خواهی واقعی فلسطینیان است. نوزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین نشان داد که ما در این فلسطینیان عضو "ساف" علی رغم تنوع در نظرات، با یکتا برخطمانه های اوجتد و یکبار چگی رزمنده و فوق سازمان آزادیبخش فلسطین دفاع کننده و هویشاریان هستند، از همه اشکال مبارزه، متناصب با شرایط سود می جویند.

سازمان ما، اعلام استقلال و تأسیس یک کشور مستقل فلسطینی در سرزمین های اشغالی غرب رود اردن و نوار غزه را پیروزی مهمی برای جنبش صلح دوست فلسطینیان می دانند و از مبارزه و مقاومت خلق فلسطین در سرزمین های اشغالی برای تحقق اهداف عادلانه آن دفاع می کند. ما امیدواریم که سیاست واقع گرایانه و منصفانه "ساف" راه را برای دستیابی به بلطی با ییادار در خاور میانه هموار سازد.

پیروزی حزب مردم پاکستان

قریب ۵ ماه پیش ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان با نشه کودتایی دولت و مجلس قانونگذاری پاکستان را منحل اعلام کرد و قول داد که سر مومسند انتخابات را سراری صورت خواهد گرفت. مرگ ناگهانی ضیاء الحق و تعداد زیادی از دیگر رهبران نظامی پاکستان را در یک سانحه هوایی همه تنگه های رژیم دست نشانده "اسلام پناه" را برای "قلبه" برجران سیاسی و اجتماعی نقش سرآب کرد و کشور پاکستان را در وضعیت جدیدی قرار داد. غلام اسحاق خان رئیس مجلس و نزدیکان ضیاء الحق طبق قوانین آن کشور کفالت ریاست جمهوری را به عهده گرفت و اعلام کرد راه ضیاء الحق، یعنی تسلط برای تحمیل دیکتاتورسی سیاسی - مذهبی را ادامه خواهد داد. غلام اسحاق خان در شرایط حاد و خلا رهبران سابق پاکستان و ادعیه محسوسان همه جا نشه کشور، هر چند با یکی دو ماه تاخیر، به سرگزار انتخابات سراری در روز ۲۶ آبان ماه گردن نهاد. نتیجه انتخاب است شکست سختی بود برای حزب حاکم. حزب مردم پاکستان به رهبری خان سیم بی نظیر بوتو از احزاب مخالف دولت با اجرا تعداد قابل توجهی از کرسی های مجلس، نشان تشکیل دولت جدید پاکستان را از آن خود کرد. اکنون خان سیم

درگیری بر سر واگذاری زمین

روزنا مهکیان در شماره ۱۷ مهر، مطلبی پیرامون درگیری روستاییان بکی از روستاهای تربت جام با موران رژیم پادشاهی که متن کامل آن به شرح زیر است:

به دنبال انقضای قرارداد واگذاری زمین های مزروعی و جاهای آب اطراف روستای ریاض سنگان تربت جام به چند فئودال و سرمایه داران و اعتراض مردم به این کار، یک نفر از جوانان روستای مذکور گذشته و دو نفر دیگر به شدت زخمی شدند.

این حادثه که سومین واقعه طی مدت حدود یک سال گذشته در استان خراسان می باشد، به دنبال صدور حکم قضایی و به رسمیت شناختن خردن زمین به عنوان مالک به وقوع پیوسته است. این حکم قضایی خبری که بر ماسی با فرمانداری تربت جام کسب اطلاع گردید؛ زوایای زمین ها و جاهای آب اطراف روستای مذکور به عهده فئودال و سرمایه داران مرکز استان ساکنند و اطلاعاتی در خصوص روستاییان ندارند. مردم به این کار اعتراض کردند و سرانجام مبرونده به دستور احاطه شد و در آنجا نیز افراد مذبور به عنوان مالک موقت (مستاجر) به رسمیت شناخت و هنگامی که قوای انتظامی برای انجام حکم داد به روستا عزیمت کردند، روستاییان به حکم داد اعتراض کرده و منجر به درگیری شد. در این میان یکی از جوانان روستایی کشته و ۲ تن دیگر مجروح شدند.

صحنی فرمانداری تربت جام در این زمینه یادآور شد: متأسفانه در واگذاری املاک و مستظلات مربوطه صرفاً منافع مادی در نظر گرفته می شود و کمترین توجهی به مسایل امنیتی منطقه نمی شود و جاهای آب و املاک به عهده ای سرمایه داران در حال خورند و این کار، واگذاری زمین ها می باشد که در واقع روستاییان را از روستای بیگانه به عنوان کارگر و سرمایه داران استفاده کنند و معمولاً برای کارگران افغانی استفاده می کنند. مردم روستا هم عیناً کارگران و روستاییان نیز سالیان دراز در زمینها درآمدی داشتند. اعتراض می کنند و سرانجام منجر به درگیری می شود. لازم به تذکر است که روستاییان همچنین عنوان داشتند که حاضرند زمین ها را به همان قیمت که به فئودالها اجاره می دهند، اجاره کنند.

در کیهان ۲۶ مهر، ادامه ماجرا به شرح زیر:

سنگسنگ شده است: ۴۷ نفر از اهالی روستای سنگان تربت جام که به واگذاری زمین های استان قدس به سرمایه داران و فئودالها اعتراض دارند، به شدت خشمگینند. به دنبال درگیری های چند روز گذشته در روستای سنگسنگان تربت جام که منجر به کشته شدن یک نفر و مجروح شدن دو نفر دیگر شد، دادسرای عمومی تربت جام حکم دستگیری تعداد دیگری از روستاییان را صادر کرد. نمونه این گونه اعتراضات سنگسنگان، در گنبدکوه خراسان، سیستان و بلوچستان، ترکمنستان، خوزستان، کردستان، آذربایجان و برخی دیگر استانها است. اهالی روستا، درگیری های پراکنده دهقانان با فئودالها و موران حکومتی به طور مداوم ادامه دارد. در واقع پس از فروخوابیدن هیاهوی سند "د" و اختتام یافتن بلندگوهای رژیم به جنگ و سرکوب، دهقانان کمانش را در مبارزات پراکنده خود ادامه دادند و داد و ستد و در شرایط پس از آتش بس در روستا، به تحریک تازه ای علیه مستعمران و موران پرداخته شد. رژیم خمینی علیه همه ادعاها خود مبنی بر حمایت از دهقانان و وعده های مکرر برای پیشبرد اصلاحات ریفی و کوتاه کردن دست فئودالها از اصلاحات ریفی را پیش برد و دهقانان در برابر فئودالها حمایت کرد. برعکس، تلاش عمده فکری و عملی جمهوری اسلامی در جهت دفاع از فئودالها و آزادگاشتن دست آنها در برابر دهقانان است. به سبب این است. آنرا دهقانان در حالی که هنوز بوی نم می دهند که "حق دهقانان را از آنها و فئودالها پس بگیرند"، در همان حال به بازگرداندن بسیاری از زمین های مصادره شده و فسخ فئودالی و لغو قوانین مقرر برای جلوگیری از جلوگیری از هرگونه تعرضی به حقوق روستاییان به کمک بزرگان مشغول شده اند. چرب زبانی های آخوندها برای دهقانان غالباً بهترین مکمل اقدامات فئودالی آنها است. آنرا در حرف می گویند دهقانان را از میبد دور و خاک کنند و از این فرصت استفاده کرده و در عمل آنها را به جوی فئودالها برگردانند.

طی سال های جنگ، دهقانان محروم گشتند و توب شدند. سرمایه داران و وسیع جانیان را عمدتاً دهقانان تشکیل می دهند و علاوه بر این دسته مسای متعددی و واحدهای گوناگون خدماتی برای کسبند که در روزگار پل و غیره از دهقانان تشکیل دادند. رژیم گویید با پرداخت اندکی مزد، شرکت در جنگ را به یک مرمعش برای دهقانان تبدیل کرد و از این طریق نیروی کافی برای جبهه ها تامین کند. شلله های جنگ تا عمیق روستاها نیز زبانه کشید و مسایل معیشتی دهقانان را زیر سؤال خود گرفت. رژیم با استفاده از شرایط جنگی پیش ازین روستاییان را محروم و تلاش برای تأمین معیشت خود را خراب و بر سر زد کرد. با این همه، لایتنال ماندن مسایل و مشکلات روستاها ایران، همچون آتش زبرخاکسترات، هر کجا اندک امکانی بیرون بیاید، این مسایل با حدت تمام خود را نشان می دهند.

به احتمال زیاد با قطع جنگ و فروکش کردن حالت جنگی و فوق العاده در کشور، با زکشت چند صد هزار دهقان سپاهی و بسیجی و سرمایه دار روستاهای خود و با اکثر فسخ قفای بازاری روستاها در جهت بهبود وضع خود تحریک بیشتری پیدا خواهند کردند. البته چنانچه اندک آزادی وجود می داشت، دهقانان می توانستند به کمک روشنفکران و سازمان های ترقی خواه شکل های خود را ایجاد کنند و احیاناً تحادیه های فراگیری تشکیل دهند. کیفیت مبارزه

و تا شریک آنها در سرکوبت کشور بسیار افزون می شود و قادری شدند از مسایل خود دور اجمل آنرا بسبب درک درست و مشترک داشته باشند. با در نظر گرفتن خفقان با رکوتی، گمانگاران بر آنند که بر سر مبارزه و حرکت دهقانان ستولی خواهد بود. با این همه، در نفس خود این مبارزات و حرکات نطفه های عینی یک درک مشترک و عمومی و یک مبارزه گامی به گام وجود دارد.

واقعیت این است که به دلیل تحریک کمونیست و برای کندی روستاها و دشواری کار در شرایط منطقه خوبتر خفقان است. ممکن است مبارزه روستاییان با بی توجهی از زمان های سیاسی پیش رو و روستاها، چنین بیست مدی بسیار خطرناک و به سود ارتجاع غالب و مغلوب است. دهقانان بی استون های اصلی جنبش ترقی خواه کشورند و باید برای بسیج آنها، به خصوصی در شرایط جدید تلاش های بیشتری صورت گیرد.

بازسازی ...

باید گونه تا دیروز خود جنگ و امروز خطر از سر گیری جنگ. اگر به هر چه پیش از خود جنگ می توانستند به درازا بیاورند (دستاورد حکومت برای ایران سازی و ویران کردن کذری کشور شده است. بزواج است که "خطر جنگ" می توانست همه هزینه های خود جنگ را بر بیل خود دست مردم برای بازسازی توی پوست گردید و اگر در مگر می بودیدون انتقال در آن کشور از تنور جنگ به کارگاه بازسازی، حرفی جدی در باره بازسازی زدی؟

برای بازسازی به ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه احتیاج هست. این هزینه ها همکاران را چگونه می شود فراهم آورد و رژیم در این عرصه چه پاستی دارد؟ بودجه آری سال ۶۷ ایران حدود ۱۲/۷ میلیارد دلار برآورد شده است که ۷۵٪ آن یعنی حدود ۹ میلیارد دلار از متکی به فروش نفت است. با سقوط دوباره قیمت های نفت، جمهوری اسلامی اکنون به زحمت می تواند بیش از ۶ میلیارد دلار به دست آورد، از همین بودجه اندک، نزدیک به نیمی از آن به بسیج جنگی و هزینه رگان های نظامی و انتظامی می ورنده و سرکوب های رژیم اختصاص دارد.

آخوندها تا مین و خرید انواع سلاح های جنگی را همچنان در برای کارهای خود قرار داده اند. در دهه اول مهر، خمینی در پاسخ نامه سران رژیم در مورد بازسازی، این سیاست ارتجاعی را مورد تأکید قرار داد و گفت که در بازسازی نیز مسئله جنگ هنوز در اولویت است.

رئیس مجلس رژیم در هوا زکفت که کا ماسن هزینه های جنگی و اختتامی این هزینه ها به بازسازی "سپاهی فدا انقلاب" است. با علیرغم واگویی های رئیس مجلس باین دادن به بسیج جنگی در کشور و کاهش هزینه های سرمایه آوری که صرف بسیج نیرو، نگهداری نیروها در جبهه، خرید سلاح و پرداخت ایامات جنگ طلبانه می شود، گام نخست در شروع هرگونه بازسازی واقعی کشور است، برای بازسازی کشور، نه تنها تخصیص هزینه های مربوط به آبادی به بسیج جنگی به امرای زندگی ضرورت دارد، بلکه همچنان برنا مبریزی اولسلی مسئولانهای در جهت استفاده از منابع مالی و انسانی و امکانات تکنیکی داخلی و خارجی لازم است. اتخاذ مالیاتهای گزاف از تجار و سرمایه دارانی که در طول مدت سال جنگ خون مردم را در شیشه کردند، مسایله ردها و تمان سودا نیا شدند، باز یک از منابع مالی بازسازی کشور است. در این میان نیز انعقاد قراردادها و اعطای کلیه کشورها به شرکت های خارجی بازسازی به تجدید بنای مدرن کردن اقتصاد میهن ما کمک می کند، ضرورت دارد، باید کلیه قراردادها

پیروزی حزب ...
بقیه از ص ۱۰
بوتو با تصاحب این کرسی ها و به دست آوردن متحدان جدید، در کارزار انتخاباتی منتظر است که غلام اسحق خان وی را برای تشکیل دولت قرار دهند. با روی کار آمدن خان نم بوتو، با توجه به اینکه وی سیاست های متفاوتی در عرصه های اجتماعی سیاسی دنبال می کند - علیرغم زدن و پند های که با دولت آمریکا دارد - با بدو را نظارت تغییرات محسوس و مثبتی در اوضاع سیاسی پاکستان بود، هر چند که قشر نظامی - بوروکرات که طی ۱۵ تا ۲۰ سال اخیر صاحب قدرت و ثروت شده است، بهر احتیاج امتیازات علیه ما لیکن و ثروت مندانشان کشور چینی نگفته، بلکه به دفاع از آنها پرداخته است. سفرهای یک سال پیش خان نم بوتو به آمریکا و انگلستان و دیدار رونق ترار و مدارهای با مقامات آن دو کشور را نیز با دیدار از این دست احتیاط کاری های او به حساب آورد.

در صورت پاکستان دیکتاتور زده، امروز از یک بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و وجودی بیلیون ها و راه افتاد و حضور نیروهای مسلح فدا انقلابان در شهرهای مرزی پاکستان و افغانستان که بودجه و امکانات عظیمی به آنها اختصاص داده شده است، رنج می برد. مردم سال ها است که علیه دیکتاتور و در راه احیاء دموکراسی و بهبود معیشت زندگی مبارزه می کنند. مسئله حیات دموکراسی در پاکستان از اهم مسایل بوده و از اهمیت برخوردار است. تصمیم آن آزادی های سیاسی و تأمین حقوق دموکراتیک مردم را در برابر خلاصی جامعه از مشکلات عدیده ای که با آن دست به گریبان است، با زخا هدر کرد. در رابطه با مسئله افغانستان نیز تنها جاره کار برای آزاد کردن بودجه کلان و امکانات عظیمی که به آن اختصاص داده شده است، اجرای تعهدات قرارداد دژنوست. دولت آینده خان نم بوتو، بسته به اینکه چه اندازه به آزادی های سیاسی و احیاء دموکراسی کردن بپردازد، رابطه با مسئله افغانستان به تعهدات قرارداد دژنوست بایندها ندیا نه، مورد قضا و تنهایی قرار خواهد گرفت.

علنی باشد. هم اکنون دلالت رژیم در کشورها - اروپایی و آمریکایی و آسیایی به دوره گذردی و تقاضای وام و بستان قراردادهای پنهانی مشغولند. سرمایه داران و گروه های حکومتی می گویند که با سازی کشور وسیله از در جهت گردن حیب های گنا خود سازند و با فروختن منافع مردم و با کشور بیول های هر چه زودتر تری به حیب زنند. از این رو است که همه قراردادها باید علنی شود و مردم در جریان آنها قرار بگیرند.

در حالی که میهن ما برای التیام بخشیدن زخم های دوران زهرمان به بسیج کلیه نیروهای انسانی متخصص و کارگران و به ابتکارات خلقی آنان نیاز دارد، رژیم آزادی کش و خون ریز خمینی با اعدام زندان، تبعید و آزار هرگز در بخش عمده ای از این نیروها از شرکت در بازسازی محروم کرده است. استفاده از توان این نیروها در میدان دادن به خلافت مردم، قبل از هر چیز در گرو آزمان برداشتن اختتامی حاکم بر جامعه، دادن استکار عمل به نیروهای کارشناسی، ما هر تحصیل کرده و همسوار کردن شرایط بازگشت مهاجرین است. از این رو بازسازی کشور به بسیج نیروهای واقعی است و باین به طور مستقیم است. مردم گشتن اختتامی و تالیمن دموکراسی گره می خورد، سیاست ارتجاعی کشور رژیم که به خراج و کتار نهادن میلیون ها تن از هم میهنان از عرصه زندگی اجتماعی و کشتن استعدادها و استکار ت میلیون ها تن دیگرانجا می رسد، نمی تواند به بازسازی واقعی کشور بیاورد.

بازسازی میهن ویران شده مان، امروز یکی از نقاط سنجش سیاست مختلف چه در درون حکومت وجه در خارج آن است. هم اکنون بر سر بازسازی و چگونگی پیشبرد سیاست گیری های اساسی آن نبرد سختی در درون حاکمیت در جریان است. اما سیاست هیجک از این جریان ها به نگرخواست مردم و نیازی کشور نیست. از میان محتاج های درون حکومت است که اکنون هیچیک کا هشی هزینه های نظامی و انتظامی به سود بازسازی، و بیات مین شرط بازگشت مهاجرین را مطرح نکرده اند. آنها به "حفظ استبداد، تقدم بسیج جنگی و تأمین منافع تجار و بوروکرات های ما" مبتنا قرار می دهند و در چارچوب آن مشغول کلنجار هستند. مردم در مقابل خواستار تأمین دموکراسی، تقدم بازسازی و تحقق منافع و خواست های خود هستند که تنها ما در تقاضای رژیم ولایت فقیه و پیمان نامه اقتصادی و اجتماعی آن قرارداد. مردم هر گونه بهر نه ترانی رژیم برای اختصاص بودجه بازسازی به امور جنگی و اتلاف نیروهای انسانی، فنی، مادی کشور را محکوم می کنند و ثروت خود را نسبت به این همه بی مسئولیتی، خون ریزی، ویرانگری و تپیکاری هر چه شدیدتر برای ما در رند.

شهادت رفیق جهانگیر فتحی در اوین

بنا بر اطلاعاتی که از سیا ه چال های خمینی به خارج در زکده است، در آبان ماه، یکی دیگر از آزاد مردان وطن، زرمند هارا هرا بی میهن و بهر روزی مردم، رفیق فدایی خلق جهانگیر فتحی به دست دژخیمان جمهوری اسلامی شهید شد. فدایی خلق جهانگیر فتحی در سال ۱۳۴۱ در روستای ورزقان آذربایجان شرقی به دنیا آمد. پدرش را در دوسالگی از دست داد و تربیت او بر عهده مادر و زحماتش و فداکاریش افتاد. در یکا نزهه سا ط سربا زا طره ای در تنخا قفسی و سیه روزی در روستا، راهی تهران شد چون اکثر جوانان مهاجر روستایی تنها شغل در دسترس او، کار در فعالیتهای ساختمانی بود. اما او که طبیعت بلند پروازی داشت ضمن کار سخت و مشقت بسیار ساختمانی به تحصیل پرداخت. رفیق، روزها کار می کرد و شبها را درسی می خواند. زندگی او را سخت می پروراند. او پس از مدتی گروهی از ارتش شد و در عین حال به تحصیل ادامه داد. روح سرکش او با محیط در یکا نزهه سا ط سربا زا طره ای در تنخا قفسی و تضاد بود، و برای فرار از آن محیط اطاعت کورگوانه تلاش بیشتری برای تحصیل نمود. بالاخره او در دانشگاه حقوق دانشگاه تهران پذیرفته شد. جنبه سیاسی دانشگاه، فقر و مسکنت دهقانان را مکتب یکنگرددند و او را در مبارزه علیه نظم موجود مضمون تر کرد. او پس از پایان دانشگاه مدتی در وزارت کشور به کار پرداخت، اما او کانت برای این وزارت خانه نیز او را راضی نمی کرد و در نتیجه، آنجا را نیز ترک کرد. او به عنوان وکیل دادگستری خدمت به مردم و آرمان عدالت خواند تا آنکه او را از او بران دوره، محرم اسرار و ملجاء تمام آنها بی بود که او را می شناختند و به تنگ آمده، از ظلمت انان به سیاه و مرا حه می کردند.

در جریان انقلاب ۱۳۵۷، یکی از فعالین کانون وکلای بود و در مبارزه با این کانون علیه رژیم شاه فعال بود. علاوه بر آن به عنوان یک کمیته

سازماندهندگان نظاهرات خیابانی و شانهمحلات به طرز سختی نا پذیر فعالیتهای می کرد. در قیام ماه و بهمن ماه در حمله به نیروی هوایی، با دگان با غشاه و جسی فعالانه مشارکت داشت. بعد از انقلاب، به سازمان پیوست و با شور و شوق فراوان انرژی عظیم خود را از طریق سازمانش در خدمت به روزی مردم قرار داد.

تجارب زندگی پربارش، از او میلیتی برجسته و زبردست ساخته بود. جهان در هیچ مجلسی فرصت تبلیغ را از دست نمی داد. در هر جمعی که او بود، ایمان به پیروزی و آزادی را در آنان بر می انگیزت. پس از سال ۶۲، در شرایط جدید مبارزه، در یکی از گروه های سازمان وارد شد. در عین حال که به فعالیت اجتماعی خود به عنوان یک وکیل دادگستری ادامه می داد. در ۲۹ شهریور ۶۵، رفیق جهانگیر با زدا شد. دوره جدید مبارزه در شرایط تازه آغاز شده بود. جهان می با بست آزمایش دشواری را با موفقیت گذراند. او پس از این آزمایش دشوار و ریزش سربلندی بیرون آمد. پس از حدود یک سال زجر شکنجه رفیق، او را به دو سال زندان محکوم کردند. او در زندان با مبارزه و مقاومت ادامه می داد و این جرمی نا بخود می برای زندانیان خمینی بود. کینه سه زندانیان، بالاخره حاصل خوبی خود را داد و رفیق در دوره جدید گشتا زندانیان سیاسی، به همراه دیگر همزمانش آماج تیرهای دشمنان آزادی و بشریت شد.

بدین ترتیب در فترت زندگی برقاومت ۴۶ ساله یک کمیونسیت، یک انسان آزاد به باقیان رسید. انسانی خود ساخته، پرورده رنج و زحمت، خصلت و زحمتکش، خلق ایران یکی دیگر از فرزندان نجیب و دلاور خود را از دست داد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به ما در همسر و فرزندان رفیق شهید جهانگیر فتحی، تسلیت می گوید.

یادش جاودان باد!

شهادت رفیق عبدالحسین آگاهی

حزب توده ایران شهادت رفیق عبدالحسین آگاهی را اعلام کرد. دژخیمان رژیم با قتل رفیق آگاهی، بر زندگی مردمی نقطه پایانی گذارند و بخش اعظم عمر پرشمار ۷۰ ساله اش را برای سعادت و بهر روزی مردم میهنش گذارده بود.

عبدالحسین آگاهی از افسران انقلابی بود که در سال ۱۳۴۳ به عضویت حزب توده ایران درآمد و فعالیت او را در راه مبارزه با رژیم پهلوی و محبوسیت وی به مثابه استاد رشته "مهندسی ارتباطات مخابرات" در این دانشگاه مورد تأکید و تشکر بود. رژیم او را زندانی و سپس به شیراز تبعید کرد اما او با فرار از تبعید، کار انقلابی اش را ادامه داد و از چهره های برجسته قیام "افسران خراسان" بود که سپس مخفیانه به آذربایجان رفت و با درجه سروانی در آذربایجان به خدمت "ارتش خلق" درآمد. سپس از شکست نهضت آذربایجان، ناگزیر از مهاجرت شد اما در مهاجرت نیز لحظه ای از کار انقلابی فعالیت علمی در خدمت انقلاب با زنا بیستاد. به تحصیل در رشته فلسفه، فوق دکترای فلسفه و رشته رگت و به پژوهش های وسیعی در علوم فلسفی تاریخی و فلسفه کلاسیک و فلسفه غربی ایران و ادبیات و زبان آذربایجانی دست زد. با پیروزی انقلاب، بهمن به میهن بازگشت و در تبریز خانه حزب فعالیت برداشت. رفیق آگاهی در بلنوم هفدهم حزب به عضویت کمیته مرکزی برگزیده شد.

هفدهم بهمن ماه ۱۳۶۱، مزدوران مسلح رژیم جنا پیکار خانه اش را هجوم بردند و او را در حالی که گلوله در پایش داشت، به شکنجه گاه بردند. رفیق آگاهی تا آخرین لحظه زندگی، دلاورانه درقا مسل دژخیمان رژیم با بیستاد و با داری به آرمان های شهادت رسید.

شهادت این رفیق تسوده ای آگاهی و مبارزان دلاور را به خاطر ما در تسلیت می گوئیم و با دعویزش را گرامی می داریم.

شده به اشکال مختلف برای دستیابی به حقوق صنفی خویش به طرق مختلف تداوم داده شده است. هر چند که در اغلب موارد کارگران محبوس بوده اند، به دلیل سرکوب و سرکوب رژیم و خودخواهانه های اینجمن های اسلامی اشکال پوشیده تری را مورد استفاده قرار دهند. با تمام این احوال در چند سال اخیر، شاهد اعتراضات جدی کارگران در خراسان، بهر برداری های ا هو اروپا لاینگ ها که زبید بلند بوده ایم که برای تأمین تدا رگت لازم استحقاقی جهت شرایط جنگی و یا سایر مضمون صنفی انجام گرفت.

امروز در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد را پذیرفته و زیر فشار رضایتی های داخلی از یک سو و اجتماعی بین المللی از سوی دیگر در راه اجرای آن گام، برمی دارد، تفکرگران باید متکا سب با شرایط روز و وضعیت واحدی که در آن به کار اشتغال دارند، مبارزات خود را پیش برند. اگر در روز چساق جنگ بر سر حرکت اعتراضی فرود می آید، امروز این چماق از دست رژیم افتاده، البته جمهوری اسلامی می خواهد که در حالت بسیج جنگی را در کشور نگاه دارد تا بدین وسیله از حرکات اعتراضی جلوگیری کرده و به اصطلاح دوران گذار به صلح را بدون خطر همراه با تثبیت رژیم طی کند. رژیم می خواهد بدون بازیس دادن امتیازاتی که از کارگران توده های مردم در خلال سال های جنگ گرفته است و در شرایطی مطلوب به ثبات دست یابد. با پذیرش مبارزات و ادراک در حقوق ضایع شده کارگران و از جمله تفکرگران را با زیس دهد.

مبارزه با خطر ادامه حقوق و مزایای پیشین تفکرگران یکی از عرصه های جدی مبارزات صنفی صنعت نفت است. از جمله حقوق ضایع شده تفکرگران وحی مهم ترین آنها، حق داشتن سازمان صنفی مستقل کارگری است. این خواست می باید به خواست محوری مبارزات تفکرگران تبدیل شود و در مرکز مبارزه برای دستیابی به قانون کاری مترقی و دمکراتیک قرار گیرد.

از پیشروان انقلابی و دیگر نیروهای شرقی خواه دست یازیدند.

از جمله اقدامات فوق، بیورش کا ملا حساب شده به سازمان های صنفی تفکرگران و سایر کارگران بود. جمهوری اسلامی هیچگاه شورا های سربا شده در صنعت نفت را به رسمیت نشناخت. از همان زمان شورای انقلاب، با رسمیت یافتن این شوراها منوط به تصویب هیئت وزیران شد و این روش تا کنون نیز ادامه یافته و با عدم تصویب هیئت وزیران، تصفیت و دیگر صنایع بزرگ کشور از شکل کارگری محروم شده اند.

شکل های کارگران نفت از یک سو به دلیل نفش کلی صنایع نفت در اقتصاد ایران و از سوی دیگر به خاطر نقش بیشترا این بخش از کارکنان، تکراری وسیع تری را در حکومتیان ایجاد می کرد. لذا سرکوب این شکل ها و یا بی طر با ختن آنها و همین طور خارج کردن آن دسته از نمایندگان کارگران که در جریان انقلاب و قیام پس از آن تجربه کسب کرده و آبدیده شده بودند، از ححنه مبارزه، در دستور کار رژیم قرار گرفت.

جنگ بهترین دستا ویزر برای اجرای سیاستهای ضد کارگری و ضد مردمی رژیم فراهم کرد. شورا های نفت و صنایع متشکل های موجود در آن از جمله سندیکاها و یکی پس از دیگری منحل شدند. نمایندگان کارگران و کارمندان را زیر پر فرار گرفته و ضربت نهایی توسط "قانون با سازی" وارد شده که اما اصلی آن تصفیه ادارات و کارخانجات از وجود نمایندگان شناخته شده و کارآزموده کارکنان و نیروهای انقلابی بود.

در خلال این ده سال نه تنها حق تفکرگران برای داشتن سازمان صنفی مستقل، نقض و پیمانال گردید بلکه در عرصه با حقوق صنفی و از جمله دستمزدها، تغییرات بسیاری به آنان تحمیل شد. رژیم به تسول به جنگ، جنگ دیگری برای سلب بیش از پیش حقوق صنفی و دمکراتیک کارگران از دستگشتن به راه انداختن، طی این دوره در صنعت نفت، دادن چهره خوار را متوقف کرد و در عوض بهای آن که هیچگاه با قیمت اقلام جیره در بازار قابل مقایسه نبود، پرداخته شد. با داشتن سالها نه وعیدی، هزینه مفرو فوق العاده کارگرا می قطع گردید، رژیم و مقامات نفت نه تنها هزینه ای نپرداختند، بلکه مصوبات بیمانی های قبلی را نیز مراعات نکردند. در این میان برخی از نمایان نیز کاهشی یافت. تحت عنوان "ایثار برای جبهه های جنگ متروا از کارگران و کارمندان کمک های مالی اخاذی و در آستان خواسته شد که از دریا قسب فوق العاده، از نافع کاری و برخی مزایای دیگر صرف نظر کنند. در برخی موارد این درخواست ها به صورت محملات قانونی نیز در آمد.

اما علیرغم همه ترندهای رژیم جمهوری اسلامی مقاومت کارگران در مقابل فشارها و تضییقات اعمال

دهمین سالگرد اعتصابات نفت

آبان ماه امسال مصادف است با دهمین سالگرد اعتصابات عظیم تفکرگران ایران. اعتصابی که از مهر ماه به خواست های عمدتاً صنفی آغاز شد و سپس خصلت مبارز سیاسی یافت، اما اعتصابی که ستون فقرات رژیم خودکامه و بسته ها را درهم کوبید و نانو قوی سرکوب آن را در فضای خالی لودان روز ایران نشین تدا کرد. نقش کارگران نفت در تلاشی رژیم شاه، بی بدیل است. پس از مبارزات شکوهمند جنش ملی شدن نفت، این فرا زد دیگری در تاریخ تفکرگران و جنش کارگری ایران برای احقاق حقوق خود و همه مردم ایران به شمار می آید.

اعتصابات تفکرگران در سال ۱۳۵۷ در پیشرفت و تشمیق انقلاب تا شیری شگرف داشت و به رسمتقی برای مجموعه طبقه کارگران بدل شد. تلاش های گسترده رژیم شاه برای سرکوب این اعتصابات بی نتیجه ماند و عزم تفکرگران در پیوند خود با خواست های انقلابی توده های میلیونی مردم قاطع تر گردید. این اعتصابات که بدون آغازی، ا هو از، خا رگ و آبادان آغاز شد، سریم را بر صنعت نفت را در گرفت و به نیروی ضربتی شگرفی علیه فدا انقلاب شد.

نبرد تفکرگران و دیگر کارگران، چهره روشنی از خواست و توان طبقه کارگران ایران را برای دخالت در تعیین سرنوشت کشور به نمایش گذارد. این مبارزات نشان داد که طبقه کارگر میهن ما چه نیروی عظیمی را در خود ذخیره دارد. این نیرو در جریان انقلاب هر چند به گونه ای عمدتاً خود بخودی به فعل درآمد. اما جلوه ای از همبستگی و اتحاد شورا نگیز کارگران ایران بود که با فلج کردن دستگاه اقتصاد رژیم و تکیه بر خواست های سیاسی جنبش انقلابی با زورترین نقش را در جهت سرکوبی رژیم پهلوی ایفا کرد.

درست همان هنگام که کارگران مبارز با قدرت خود رژیم شاه را به ستوه آورده بودند، آخوندها و به ویژه لیبیرال ها نیز از این قدرت و آینه سده آن بیمناک شدند و در مدبرانه ها به نفع "سول از بطری به در آمد" را به صورت شده میارکنند. لذا همین که به قدرت دست یافتند، به اقداماتی جهت محدود و متفرق کردن طبقه کارگران و ختن آن

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس: اتریش
P.O. 1091 WIEN AUSTRIA
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!